



راهپیمائی توده‌ها

بمناسبت روز جمهوری اسلامی!!

روز ۱۲ فروردین ماه بدعت بنی‌مدر، آیت‌الله منتظری، حزب جمهوری اسلامی و سایر ارگان‌های دولتی را هییمائی وحدت "بمناسبت سالروز فراتدوم جمهوری اسلامی ایران انجام گرفت. تعداد بسیار قلیل شرکت‌کننده در این راهپیمائی‌ها در همه شهرهای ایران به‌غلاف راهپیمائی‌های قبلی، بی‌انگیز روی برگرداندن توده‌ها از حاکمیتی است که بنام دفاع "مستضعفان" و "محرمان" نه تنها به خواستهای اساسی توده‌ها جا به عمل نپوشانده، بلکه مدام بر فشار به آنها افزوده و با سنگین فقر و فلاکت و مماثلت جنگ خانمانسوز را بر کرده آنها نهاده است.

هرچند تبلیغات رادیو و تلویزیون

وارگان‌های تبلیغاتی جناح‌های حاکم تلاش کردند تا وانمود سازند که علت عدم شرکت وسیع توده‌ها اوضاع بد جوی و بارندگی شدید بوده است، لیکن ناآگاهانه ترین توده‌ها نیز بخوبی دریافتند که علت نه در ریزش برف و باران، بلکه در چیز دیگری است. مگر ریزش برف و باران نمیتواند جلوی حرکت توده‌ها را بگیرد؟ چگونه بود که توده‌های ملیونی مردم در زیر باران گلونه نیروهای سرکوبگر رژیم دیکتاتوری شاه بدون اینکه هراسی بدل راه دهند، بدعت خمینی بی‌خیا با آنها می‌ریختند و با شکوه ترین تظاهرات راهپیمائی‌ها را برگزار کردند.

بقیه در صفحه ۲

● لیبرالها از چه می‌ترسند و به چه شیوه‌هایی متوسل می‌شوند؟

روزنامه میزان ارگان "لیبرال‌های" وابسته به جناح بازرگان روز شنبه با نهم فروردین متن سخنرانی مهندس بازرگان را بجا برسانند. بسیاری از لیبرال‌های دیگر ما هیتاش برای توده‌های زحمتکش میهن ما روشن شده است و طی دورانی که ریاست "دولت موقت" با ملاحظه انقلاب منتخب "امام" را بر عهده داشت، عظیم‌ترین خیانتها را نسبت به انقلاب توده‌های زحمتکش میهن ما نسبت به خلق‌های تحت ستم ایران اعمال کرد، کسی که بهتر از این نمیتوانست منافع آمریکا و سرمایه‌داران وابسته به امپریالیسم را تامین کند، در سخنرانی خود می‌گوید "اگر آمریکا شیطان کبیر است، شیطان بزرگتر با اکبر هم‌داریم و آن مارکسیسم است. نه تنها بازرگان و فاعر و دسته وابسته به نهضت آزادی بلکه دارو دسته‌های دیگر لیبرال‌ها از جمله بنی‌مدر حملات خصمانه‌ای را به مارکسیسم

رژیم جمهوری اسلامی در جهت بازسازی صنایع وابسته گام برمیدارد

علیرغم آنکه عناوین صفحات اول و پراهمیت روزنامه‌های وابسته به دو جناح اصلی هیئت حاکمه به مسائل که ربطی به مشکلات و مسائل اساسی زحمتکشان ندارند و عمدتاً در راستای مخالفت با سیاستهای رقیب جهت گیری کرده‌اند، می‌باشد، اما هر دو جناح در بی‌اهمیت جلوه دادن اخبار و موضوعاتی که میتواند ذهن زحمتکشان را نسبت به حاکمیت سرمایه‌داران روشن سازد، کاملاً متفق‌الجهت و هم‌سور حرکت کرده و

بقیه در صفحه ۱۳

اعتصاب کارگران ایران ناسیونال سر آغاز مبارزه بی امان طبقه کارگر در سال نو

۳ صفحه

چه کسانی "اسب تروای امپریالیسم و ضد انقلاب"

هستند؟ (۲) صفحه ۹

در این شماره:

● جنبش جهانی

● جنبش کارگری

● شکنجه در کوچه و خیابان

● از اعلامیه‌ها... کارگران پیرو

برای گسترش مبارزه ضد امپریالیستی اول ماه مه (۱۱ اردیبهشت)
را به روز مبارزه علیه سرکوب و اختناق و ایجاد شوراهای انقلابی
تبدیل کنیم

بایمان به پیروزی کارگران و زحمتکشان بهاران خجسته باد

بقیه از صفحه ۱

بیکاری، رنج و تلخی زندگی نباشد. زحمتکشان این بهار را نیز از گرسبها گلدان گلی ارزان، با پارهای نسان و ظرفی خورش، با موشی نقل و بشقاب سیبیرینی و اگر تشدختی با لبخندشادان باش خواهند گفت و با زهم جوانه های امید را در اعماق رنج خواهند پرورد و چنین که بنیاد است میروید تا این با رمیا زرها ای چنان عظیم را سامان بخشند که در این همیشه اختشما را زمین بر خیزد و تمام فصول سال "بهار آزادی" زحمتکشان شود و عید واقعی آنها فرارسد.

اما امروز در آستانه بهار رسوم و سالی نو، شرایط زندگی توده های زحمتکش صدها بار مشقت با رترو د شوار ترا گذشته شده است اکنون در آستانه سال نو، در حالی که سرما به داران و زمینداران، محتکران و مفت خورها، و استگسان و جیره خواران رژیم حامی سرمایه داران، بیبهای فقر و فلاکت توده ها برای خود عید میگیرند و جشن برپا می کنند، در حالی که بر سفره آنها انواع و اقسام غذا، بر سرمیزهای پذیرائی شان دهها نوع شیرینی، آجیل و میوه گذاشته شده است، و فرزندان آنها در لباسهای رنگارنگ و زندگی تجملی خود فقشر میفروشند، کارگران، دهقانان و زحمتکشان دیگر میهن ما، که زیر بار گرانی رسام و آروسیکاری، با فقرو فلاکت روز افزونی روبرو هستند حتی قا در نیستند یک دست لباس ارزان قیمت برای فرزندان خردسال خود بخرند و کمی شیرینی و میوه تهیه کنند، سال نو را نه با شادی و سرور بلکه با تلخی ناشی از فقر، مصیبت و تنگدستی، با خشم و نفرت نسبت به نظامی که در یک سوی آن ثروت و خوشبختی و در سوی دیگران، فقر و تهیدستی، قرار دارد، آغاز می کنند. هم اکنون در آستانه سال نو نزدیک به چهار میلیون تن از هموطنان زحمتکش ما بیکارند، و زیر بار فقر و گرسنگی، فقر و خانه خرابی زندگی آنها در خطر نا بودی واقعی است. رشدها بر سندانک مشاغلی چون دستفروشی، ماشین شوئی، سیگار فروشی و... افزایش گذاشتی و دزدی که اکنون ابعاد وسیعی بخود گرفته است، حکایت از این فقر، و فلاکت داران

دستا وردهای انقلاب پای میفشرد در بافت که هنوز تا بهار آزادی راهی خونین در پیش است. خلق دلاور کردی سرخترین گلهای فروریخته بر خاک در بهاری غرقه در خون، یکپارچه مبارزه و مقاومت شد و در برابر تهاجم ضد انقلاب ایستاد و بر آن شد تا از بهاران خونین بگذرد تا بهار آزادی فرارسد.

توده های زحمتکش که در آستانه خونین اولین بهار بعد از قیام، احاکمیت را نماندند، خواست های خود می پنداشتند، در جریان انقلاب و در فاصله سه بهار، از بهاری تا بهار دیگر تا همین بهار زکة اکنون در آستانه آتیم پرده های وهم و پندار را لایه لایه از چشم بر گرفتند و میروند تا واقعیت را به تما می دریا بند، توده های زحمتکش میهن از واقعیت زندگی و از تجربه های خشن اقتصادی، سیاسی و فرهنگی دریا فتند و دم افزون در میآیند که این احاکمیت در تدارک تحقق کامل خواست سرما به داران است نه زحمتکشان. سدی است در برابر انقلاب و روز به روز بر شدت سرکوب زحمتکشان و نیروهای رزمنده انقلابی می افزاید. زحمتکشان دیدند و سرانجام دریا فتند که چگونه احاکمیت بهار کردستان را به خون کشید. دیدند که چگونه در "قارنا" در "قله لاتان"، در "آبدرقاش" در شهرها و روستا ها حمله های خون بسراه انداخت. دیدند که چگونه در ترکمن صحرا، با توب و ناک و تنگ ارتشی و پاسدار، خانه های مردم و دلاوران ترکمن را به آتش و خون کشید و به حمایت از سرما به داران و زمینداران بزرگ شوراها و ستاد خلق ترکمن را جنون آسا فریاد زد. دیدند چگونه خلق عرب را دسته دسته شکار کردند و به گلوله بستند. دیدند چگونه میازات کارگران، تحصن ها و اعتصابات کارگری را با چوب و چاق و گلوله زیر هجوم گرفت. دیدند چگونه به ضرب شلاق و تحقیر و تکفیر به پایمال کردن حقوق انسانی و سیاسی اجتماعی زنان همت گماشتند. دیدند چگونه دستا وردهای انقلاب، شوراها، مطبوعات آزاد و اندیشه آزاد با هزار نیرنگ و ضربه، پنهان و آشکارا به بند کشید. دیدند چگونه ستادها و کانون های نیروهای انقلابی را در محاصره پاسداران گرفت و رزمندگان فدائی و مجاهد و دیگر مبارزان را روانه زندان های جمهوری کرد. دیدند چگونه چاق قدران و قداره بندها ن جهشوری اسلامی به جان مردم افتادند و دست بردار نیستند! و همچنان می بینید که چگونه قانون پشت قانون و لایحه پشت لایحه در حمایت از سرما به داران و جنایتکاران و مزدوران به تمویب میروانند.

اما زحمتکشان که همواره جوانه های امید را در خفته ترین شرایط تاریخی در اعماق زندگی پرورد، دهاند و در هستی تاریخی خویش جنایتکارانه ترین رژیم های سرما به داری را فریاد گرفته اند و واژگون کرده اند با زهم از بهار طبیعت حتی با دستهای تهی استقبال خواهند کرد. بگذار این بهار هم همچون هزاران بهار بر سفره نوروزی زحمتکشان جز گرسنگی، فقر، بی خانمانی، گرانی

بافته است. کارگران که طی چند ماه اخیر به بهانه این جنگ ارتجاعی تحت فشار و استتشار شدیدتری قرار گرفته اند و هزاره با فشار "لزوم افزایش تولید" مواجه بوده اند، و دستمزدها آنها سه بهانه های مختلف کاهش یافته است، زیر بنیدترین فشارها قرار دارند و اکنون این رژیم ضد انقلابی سعی دارد دبه بهانه جنگ، آنان را بسدود "پاداش وعیدی و سود ویژه" یعنی در حقیقت با کسر بخشی دیگر از دستمزدها به پیشواز عید بفرستد.

دهقانان نیز که از یکسوی زیر بار سنگینی قروض و دیون خود به ارباب و مالک با ننگ و ربا خوار قرار دارند، و هنوز هم در زیر یوغستم زمینداران و مالکین و عدم تأمین، حداقل شرایط زندگی بسر میبرند و بخش از پیش زیر بار گرانی ودهها فشار اقتصادی و اجتماعی دیگر قرار گرفته اند.

کسبه و پیشهوران، دستفروشان و دهکداران که با سوشی زیر فشار سرکوب دولت و از سوی دیگر فشار سرما به داران، محتکران و تجار دست و پا میزنند، زندگی محقرشان در معرض نابودی قرار گرفته است. کارمندان جزه ادارات و موسسات، در شرایطی بسیار سخت تر از سال قبل قرار گرفته اند آنان با حقوق ناچیز و نا امانت خود (البته اگر در شرایط حذف اضافه کاری، و سایر کمک هزینه ها، کاهش نیافته باشد) با زندگی بسیار دشوار روبرو هستند. و با لایحه مصیبت بار تر از همه شرایط زندگی نزدیک به دو میلیون آواره جنگی ست که در اثر سیاستهای ضد انقلابی و ارتجاعی دولت ایران و عراق در بدو شهرها شده و در نهایت فقر و مسکنت از حداقل غذا و پوشاک و بهداشت و سرپناه محروم اند. جنگی که تا کنون هزاران کشته و زخمی بهار آورده است و در آستانه سال نو، صد ها خانواده را در سوگ فرزندان خود غرق نشانده است، جنگی که تمام زندگی و هستی بخشی از زحمتکشان میهن ما را در زیر تلی از خاک مدفون کرده و هزینه کمرشکن آن بدوش توده ها افتاده است. و این همه مصیبت و بدبختی برای توده های زحمتکش میهن ما شمره و آرمغان نظام سرما به داری و دولت حامی سرما به داران است. دولتی که بجای پاسخگویی حداقل خواستهای زحمتکشان، به سرکوب، شکجه کشنا، ترور، اختناق و زندان متوسل شده است، دولتی که هم اکنون صدها تن از فرزندان خلق فدائی، مجاهد و نیروهای انقلابی دیگر را در زندانهای خود ببند کشید و میگوید هر صدای برحق زحمتکشان را در گلو خفه کند.

آری، چنین است وضعیت احاکمیت سرما به داران ما و زندگی زحمتکشان در آستانه سال نو، و چنین است که توده های مستبدیده، محروم و مبارز میهن ما در آستانه عید با دستهای خالی از نان و آزادی و با این همه سرشار از کینه و خشم با استقبال بهاری تازه میشتابند. بهاری که همچنان از خون دلاوران میهن، از خون رزمندگان کرد، ترکمن، عرب، بلوچ و فارس و از خون صدها انقلابی، کارگر و دهقان و روشنفکر انقلابی گلگون است ●

از سوی دیگر کمیابی و گرانی کالا های مورد نیاز زحمتکشان بزمین فقر و فلاکت افزوده است. در طی همین چند ماه گذشته قیمت پارهای از کالاهای دوتاسته برابر افزایش یافته و ارزش پول میزبان حیرت آوری کاهش یافته است. اما نه تنها مزد و حقوق زحمتکشان افزایش نیافته، بلکه همان مزد و حقوق اسمی هم با شکل گوناگون کاهش



گزارشی از معدن قلعه زری بیرجند

معدن قلعه زری در جنوب بیرجند در حاشیه کوهزوت قرار دارد. این معدن در حدود ۱۵۰۰۰ کارگر دارد. محلکار کارگران، تونل‌های طولانی میباشند که حدود ۱۷۰ متر درازا دارد و پیراژکل وانی است. تاکنون ۱۵ انفراز کارگران بر اثر شش‌خشک‌زدات گردید، هر سگ جان خود را از دست داده‌اند. روسای ز الوصفت معدن بجای فراهم نمودن وسائیل بهداشتی و ایمنی، فقط بدادن مقدار ناچیزی شیرخشک اکتفا میکنند. با این شرایط کار طاقت فرسا، حداکثر دستمزد روزانه ۸۰ تومان میباشد. سرما به داران با استسما روحیانه معدنچیان قلعه زری، مبالغ هنگفتی سود می‌برند، ولی همیشه بدنیال شیوه‌های گوناگونی هستند که دستمزد اندک کارگران را نیز غارت کنند. در زیر به نمونه‌ای از این شیوه‌های ضدکارگری و مبارزه کارگران با آنها اشاره می‌کنیم:

۱- ابروسای کارخانه، این مزدوران - سرما به داران، از ۱۲۰۰۰ تومان سود ویژه ای که در سال ۵۸ بهر کارگر تعلق میگرفت، فقط ۲۰۰۰ تومان پرداخت نمودند.

۲- اما کارگران برای آنکه بتوانند حق خود را از لحاظ حقوق سرما به داران بیرون بکشند، شورای خود را تشکیل دادند و با فشاری و بی‌گیری توانستند حقوق از دست رفته خود را بگیرند.

۳- از آغاز جنگ تاکنون هر ماه یک روز از حقوق کارگران را ستان میکنند، به جنگ زدگان!! کسر میکنند. در مجموع ۶۰۰۰۰۰ تومان از حقوق کارگران کم کرده‌اند. غریب‌دهای اعتراضات معدنچیان قلعه زری بلند شده و می‌برسد که این سولها به جیب چه کسانی رفته است و چرا احتک ردگان هنوز آواره و سرگردانند؟

۴- مورد نیاز کارگران بوده است، چندی پیش رئیس معدن قیمت کتند را افزایش داد. او در مقابل خواست برحق کارگران مسمی برکاتش قیمت کتند! بسته‌باد. کارگران که وضرا چنین دیدند مدیر ضدکارگر را بندت کتنگ زدند، بطوریکه سرش ۸ بخیه خورد. سرانجام رئیس معدن در مقابل کارخانه در مقابل میسارزات کارگران عقب نشینی کرده و قیمت کتند را ۲۲۰۰ ریال به ۵۰۰ ریال کاهش داد.

معدنچیان قلعه زری همانند دیگر کارگران معدن در دسترس روسای است کار میکنند. در اثر شش‌خشک‌زدات معدن در معرض بیماری خطرناک ریبه... قرار دارند. همیشه مرکز و درش در انتظارشان میباشد. کارگران بخاطر خونی و ولع سرما به داران از هیچگونه امکانات بهداشتی و ایمنی برخوردار



جنبش کارگری

نستند. آنان طی مبارزات پیگیر خود به این واقعیت پی برده‌اند که تنها با اتحاد و تشکل در شورای واقعی خود می‌توانند حقوق خود را از سرمایه داران بگیرند.

پیروزی کارگران

کارخانه نیتینگ

کارگران شیفت کارخانه نیتینگ واقع در شهر صنعتی البرز برای دریافت حق شیفت مورد نظر خود پس از یکسارزه پیگیر و تهدید به خوابیدن کار به پیروزی رسیدند.

در پی موفقیت کارگران بخش بسته بندی در تاریخ ۵۹/۱۲/۸ که توانستند ۵٪ حق شیفت مورد نظر خود را در ازای دو شیفت کار دریافت نمایند، کارگران سه شیفتی نیز خواهان اضافه کردن حق شیفت خود شدند. آنها با اعتراض به کم بودن ۱۰٪ خواهان افزایش آن به

۱۵٪ بودند. این مسئله را با شورای کارخانه مطرح میکنند. شورا برای رسیدگی به این مسئله تا چهارشنبه فرصت میخواهد. روز چهارشنبه هیچ خبری نمیشود. در مقابل اعتراض کارگران شورا یک روز دیگر نیز مهلت میخواهد. اما روز پنجشنبه هم خبری نمیشود. کارگران که از این مسئله به خشم آمده بودند اعلام میکنند از روز شنبه در شیفت شب کار نخواهند کرد.

روز شنبه همه کارگران با روحیه‌ای قوی سرکار حاضر شدند. یکی از کارگران میگفت: "اگر اینبار هم شکست بخوریم

دیگری ما حساب نمی‌کنند هر طور شده با بیدار شدنی کرد. ما پیروز می‌شویم اینر تا ریح‌ما آموخته است. با لاف‌ها پس از درگیریهای مختصر و صحبت‌های مختلف در ساعت یک و چهل و پنج دقیقه بعد از ظهر شورا اعلام میکنند مدیریت با خواست شما موافقت کرد. کارگران که پی برده بودند سرما به داران و عوامل آنهاستهار برفشار متحدانه کارگران مجبور به عقب نشینی میشوند پیروز و سرفراز کارخانه را ترک کردند و در بین راه به یکدیگر تبریک میگفتند.

کارگران مبارز نیتینگ یکبار دیگر نشان دادند که چگونه عوامل رژیم جمهوری اسلامی درون کارخانجات را که برای حفظ نظام سرما به داری با تمام قوا میکوشند، با بدیه عقب راند. اتحاد و مبارزه متشکل کارگران سربیسروزی است. بکوشیم تا با ایجاد تقویت و انقلابی کردن شوراها مبارزه را هر چه بیشتر به پیش ببریم.

اخباری از شهردگان

جنگ دست‌آویزی برای استثمار بیشتر کارگران و زحمتکشان

شهرداری شادگان حدود ۲۵ تن از کارگران شهرداری آبادان روغر مشهور را جهت نظافت خیابانها، فاضل آنها، بردن زباله‌ها و... بطور موقت بکار گمارده است. این کارگران همگی از زحمتکشان عرب هستند. اکثر آنها در چادر در وضعیت بسیار سختی زندگی میکنند و از ابتدائی ترین امکانات زندگی محروم‌اند. برخی از کارگران در روستا زندگی میکنند و برای رسیدن به محل کارشان ناچارند ساعت ۵ صبح از خانه خارج شوند. پس از کار سخت روزانه با بیدرصف‌های مختلف برای گرفتن نان و نعت و... بايستند. بخاطر مزد ناچیزی که دارند، در ازای برخی مواد غذایی چون برنج که با سهم جنگ زدگان تقسیم میشود از آنان پول میگیرند. کارگران با حقوق ناچیزشان قادر به تأمین خود و خانواده‌شان نیستند. کارگری میگفت: "روغن و شکر و تاپسد و... کم شده و ناچارها همه‌اش روغن پشم کردن تا گرانتر بفروشد، شکر کیلویی ۱۵ تومان، روغن کیلویی ۱۵۰ تومان و همینطور بلامیرود، اینها همه‌اش به بنفع مقامات و گردن کلفتهاست. فقط بدبختی برای ما کارگران میماند." حال با بیدار رژیم جمهوری اسلامی پرسید پول و وسائلی که با سهم جنگ زدگان جمع میشود، و بگردد حقوق کارگران که در اکثر کارخانجات کسر شده است بکجا میرود؟! *

گروه ۲۲۵ طرح گسترش مسئول ساختن دوسالین برای تربیت بدنی بقیه در صفحه ۴

باید با استخدام کارگران بیکار بساط "اضافه کار اجباری" در کارخانه‌ها برچیده شود

سرکوب خونین کارگران

بقیه از صفحه ۱

علیه دونفر از مدیران جدید که یکی به سمت مدیر تولید دیگری به سمت رئیس کارگری انتخاب شده بودند آغاز شد. کارگران به انتخاب این دونفر اعتراض داشتند. زیرا کارگران به ما هیت ضد کارگری این افراد بی پرده بودند مدیرعامل گروه آدرین "کام خوش" یکی از مدیران مکتبی است که اینک جایگزین مدیران لیبرال قبلی گروه شده اند و دستور می دهند که سایر شرکت های گروه از خرید و فروش با شرکت چرم رخشان خودداری کنند. او با اصطلاح "شرکت چرم رخشان را معا صره اقتصادی می کند." اما سایر شرکتها از جمله شرکت یونا تید تحت رهبری شورا به خرید و فروش با شرکت چرم رخشان ادامه می دهد بدین ترتیب اتحاد شوراها مدیرعامل راناکام گذاشت. او دستور قطع پرداخت حقوق ما هانه کارگران را صادر کرد اما مبارزات متحد و یکپارچه کارگران با هدایت شوراها مدیرعامل را وادار به عقب نشینی کرد. کارگران دزدا سه مبارزات خودخواهان پرداخت سود ویژه وعیدی و پاداش بودند.

ادامه مبارزات کارگران و سرکوب خونین رژیم جمهوری اسلامی

شورای مرکزی گروه ۲ ماهه و ۲۰ روز سود ویژه را برای کلیه کارگران تصویب کرده بود. کارگران تمام شرکتها خواهان پرداخت سود ویژه به میزان ۲ ماهه و ۲۰ روز بدون لغومزایا و... بودند. کارگران چرم رخشان در ادامه مبارزات خود، نما یندگان شورا را جهت مذاکره نزد مدیرعامل می فرستادند. مدیرعامل گروه حاضر به پرداخت یکما حقوق بدون

هیچگونه پاداش و مزایا می شود. کارگران از تصمیم هیئت مدیره به ختم آمده با مدیرعامل درگیری می شوند. در پی این جریان ۲ نفر از نما یندگان شورا دستگیر می شوند. سایر نما یندگان شورای مرکزی از نما یندگان زندانی حمایت می کنند. بدستور هیئت مدیره ۲ نفر دیگر سراز نما یندگان شورا دستگیر می گردند. مبارزات کارگران با شرکت ها به شکل اعتصاب و جلوگیری از خروج تولید آغاز می شود.

حدود ۶۰۰۰ نفر از کارگران در محوطه کارخانه دست به راهپیمائی می زنند. آنها خواهان آزادی نما یندگان زندانی خود می شوند. کارگران سپس با جلوگیری از خروج ۵ نفر از اعضای هیئت مدیره دست به تجمعی می زنند. نیمه شب چهارشنبه ۵۹/۱۲/۱۳ پاسداران سرمایه به محاصره کارخانه، پرتاب گاز اشک آور به داخل سالن تجمع کارگران، قصد متفرق کردن کارگران را داشتند. کارگران متحداً مقاومت می کنند. پاسداران سپس متوسل به تیراندازی به سوی کارگران می گردند. ضرب و شتم کارگران آغاز می شود. در این درگیری عده ای از کارگران زخمی و عده ای دیگر نیز دستگیر می شوند. از روز شنبه ۵۹/۱۲/۱۶ کارگران به اعتراض علیه این حمله وحشیانه پاسداران برخاستند. مبارزات کارگران بشکل اعتصاب، جلوگیری از خروج تولید و کم کاری ادامه داشت. روز دوشنبه کارگران موفق می شوند بخشی از سود ویژه را از جنگ مدیران و دولت حامی آنها در آورند. اما کارگران به مبارزات خود تاهائی نما یندگان زندانی ادامه خواهند داد. رژیم جمهوری اسلامی می بیند که با دستگیری چند نما ینده و سرکوب کارگران قادر نخواهد بود صف متحد کارگران را درهم شکنند. اما غافل از اینکه کارگران کفش ملی دارای سابق درخشانی در مبارزات کارگری هستند. آنها حتی

در سالهای سیاه دیکتاتوری شاه، به ویژه در سالهای ۵۰ و ۵۲ اعتبارات گسترده ای داشتند. اعتبار ۵۰ ساله نزدیک به دو ماه طول کشید و اعتبار ۵۲ بطور وحشیانه ای سرکوب شد. همین کارگران بودند که رژیم منصور پهلوی را به زباله دانی تاریخ فرستادند. سرکوب خونین کارگران کفش ملی در روز چهارشنبه ۵۹/۱۲/۱۳ خاطره سرکوب وحشیانه رژیم را در ذهن کارگران رنده می کند.

آنها اینک شاه و در شرکتگی و سیاسی اعتباری سیاستهای رژیم جمهوری اسلامی هستند. رژیم که در اروپا روری بسیار بوده های پیدا شده کارگران چاره ای جز سرکوب نمی بیند. اما اگر رژیم منصور شاه نتوانست با سرکوب کارگران پایداری بماند، رژیم جمهوری اسلامی نیز خواهد توانست. کارگران مبارز کفش ملی اینک با پیدای اتحاد یکپارچه خود مبارزه رابرای آزادی نما یندگان زندانی به پیش برند. آنها با پیدای حفظ و تقویت شولهای خویش در تقویت شورای مرکزی گروه بکوشند، تا بتوانند با هدایت شکل های انقلابی خویش نما یندگان خود را از زندان رژیم جمهوری اسلامی آزاد سازند.

جنگ دستاویزی برای...

بقیه از صفحه ۲

شادگان میباشد. این گروه ۳۰ کارگر استخدا کرده است که اکثر آنها روستائی جنگ زده و پاداش آموزش و به ازاء ۸ ساعت کار روزانه ۸۰ تومان حقوق میگیرند. در تاریخ ۵۹/۱۲/۴ مهندس غفوری بیما نکا رگروه کارگران می خواهد که بدلیل شرایط جنگی روزی دوتا ساعت اضافه کار کنند. کارگران میگویند: "ما اکثر روستائی هستیم و نمیتوانیم یا زده ساعت کار کنیم، بهتر است برای سرعت کار کارگران بیشتری استخدا نکنید." حاضر به اضافه کاری نمیشوند. مشا جره بین آنان و بیما نکا با لامیگیرند، مهندس غفوری میگوید: "کارگر جنگ زده و بیما نکا را نقد در زیاد است که اگر قبول نکنید، از آنها بجای شما استخدا می کنیم." حکم اخراج پانزده تن از کارگران معترض را میدهد. کارگران که اعتراضشان را بعد شق میدانستند از او به فرمان نداری شهر شکایت میکنند. فرماندار ضمن حمایت از غفوری میگوید: "ما در حال جنگ هستیم و کسی حق کار شکنی ندارد." و به کارفرما پیشنهاد می کند که بجای پانزده تن کارگران خرا جی، کارگران دیگری استخدا کند. بیما نکا رگروه از حمایت فرماندار شهر برخوردار میشود با کمال بیشرمی با چاقوبه کارگران حمله ور میشود. کارگران در جریان این قضیه یکبار دیگر بی بردند که ارگانهای دولتی حافظ منافع سرمایه داران هستند نه کارگران. آنها بی می براند که جنگ وسیله ایست که سرمایه داران و دولت حامی آنان برای استعمار بیشتر و سرکوب کارگران از آن استفاده میکنند.

دیروز سرکوب زحمتکشان شرکت واحد امروز سرکوب خونین کارگران کفش ملی

کارگران و زحمتکشان مبارز

کارگران کفش ملی در روز ۵۹/۱۲/۱۳ در اعتراض به دستگیری عده ای از نما یندگان شورا و مقدار وعیدی و پاداش دست به تحصن میزنند، نیمه های شب پاسداران سرمایه با محاصره کارخانه، پرتاب گاز اشک آور و تیراندازی تجمع کارگران را بخون میکشند. آنها با ضرب و شتم وحشیانه کارگران عده ای را مجروح و تعدادی را نیز دستگیر میکنند. در شرایطی که فشار رنای ازگرانی، کمبود، بیکاری و... کم کار کارگران و زحمتکشان را خیم کرده است، رژیم جمهوری اسلامی با سرکوب خونین کارگران کفش ملی، یکبار دیگر حمایت بیدریغ خود را از سرمایه داران نشان داد. با تمام قوا به مقابله با اقدامات سرکوبگرانه رژیم برخاستند و متحد و متشکل مبارزه رابرای کسب حقوق خود را گسترش دهیم.

پرتوان باد مبارزات حق طلبانه کارگران و زحمتکشان

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران



هر چه زودتر پرداخت باید گردد.

این کارگران در رابطه با تعیین سودویژه توسط شوراها در تراکتور دیگری نوشته اند:
"تنها شکلهای واقعی کارخانه ها حق دارند مبلغ سودویژه را تعیین کنند. دولت باید بر اساس تصمیم این نمایندگان واقعی، سود ویژه را در کوتاهترین مدت پرداخت کند."

تهران

کارگران پیشرو صنایع دفاع خرابا مه شماره خود را منتشر کرده اند. درگیری از مهماتسازی آمده است: عن از مستشاران آلمانی به بهانه تکمیل طرحهای نیمه تمام دوهفته قبل به کارخانجات مهماتسازی آمده اند. احتمالاً فرد دیگری نیز بودی به این عده می پیوندند. سرپرستی مستشاران آلمانی را شخصی بنام "مرشل" بعهده دارد. وی در زمان شاه خائن نیز سرپرست مستشاران آلمانی مهماتسازی بود.

"پیروزی در مبارزه است" نام اعلامیه ای است که کارگران پیشرو با فکار منتشر کرده اند. در این اعلامیه پس از شرح مبارزاتشان که طی آن توانسته اند دو ماه سودویژه را رود برای خود بگیرند، می نویسند: "اما ما میدانیم که نه لطف مدیر عامل و نه فعالیت شورای کارگران می تواند کارخانجات را از دست کارگران خارج کند و سودویژه برداشت شود. مبارزه در کارخانجاتی که کارگران مبارز پیشرو کردند و شوراها و واقعی خود را داشته اند، سودویژه ای معادل سه ماه و کاهشی تا چهار ماه دریافت کرده اند. مثلاً در کارخانه های سیمانی، سیمان تهران، کارخانجات صنعتی توران، باری الکتریک، فیلور و صنعتی دیگری کارخانجات بالاراز سه ماه بوده است. و در سیان می افزایش یافته است. پس بکشیم: با سوخود آوردن شورای واقعی که از منافع ما حمایت کنند از حقوق خود دفاع مقابل مدیران و سرمایه داران دفاع کنیم."

کارگران پیشرو شوکو ماریس قسمتی از اعلامیه خود با عنوان "سودویژه که قسمتی از دستمزدماست پرداخت باید گردد" گفته اند: "هر روز که میگذرد روشن میشود که دولت جمهوری اسلامی از منافع سرمایه داران دفاع میکند. ما تنها با مبارزه و اتحاد دیگران، خود میتوانیم دولت، سرمایه داران را از دست خود دور کنیم. و در بخش دیگری می نویسد: "ما باینده شورا در مجمع عمومی گذشته اعتراف کرده بود اما سال از سود هر یک از سالهای ۵۶-۵۷-۵۸ دستگیر شده بود. بقید در صفحه ۶



از: اعلامیه ها، تراکتها و نشریات

کارگران پیشرو

تبریز

کارگران پیشرو تبریز در رابطه با مسئله اخراج اسبابا دومین اعلامیه خود را با عنوان "مسئله اخراج اسبابا و موضع ما" منتشر نموده اند. در این اعلامیه ضمن اشاره اخراج کارگران انقلابی و بارگرداندن عده ای از آنان به همب سوخته کارگران، روشمودگیهای زیر را ارائه داده اند:

- ۱- با آگاهی بدین مسئله که بدون حواس بده خای کارگران کمیت اخراجیون انقلابی غیرممکن است باید دستگیران برای بازگشت بقیه اخراجیهای انقلابی تلاش کنیم.
- ۲- باید از سیاستهای ضدکارگری، حاکمیت کدیمی اراکین و اسبابا با رکرداندن مبارکین و اخراجیها در کارگران است جلوگیری می شود.
- ۳- حقوق نمایان نام انقلابی کارگران انقلابی به حدی که آنان را از این چنین کدی کارخانجات بازگشته اند و با مبارزات مبارکین آنها بقیه کارخانجات جلوگیری می شود.
- ۴- سازاکیها و مدیران نامشروع کدیمالینا، تلاش در حقوق و عواید را برای کدیمالینا، یاد اسبابا و سودهای کلان برای اعمال خود کارگری خودتوفند می کنند حقوقی برای آنان معلوم دریافت کنند.
- ۵- کارگران انقلابی که در کارخانجات دیگر مسئول بوده و با اسبابا در رابطه با اسبابا، با اسبابا در کارخانجات کدیمالینا، اسبابا معلوم در این باره مسترزده اند و رگزداسده بود.
- ۶- قسمت جدید خود را بر یکساری بداننده ای که حضور از رود اسبابا بیدار و با محاب مماست مسودت نمود است که با او حرف و دردی ما در این عواید برای سرمایه شوکو ماریس بطلیه کند. ما با اسبابا در ستایل اس

حواس ضدکارگری مقاومت کسرنده و یکداریم که انقلابیون اخراجی را از خانه های سازمانی بیرون کنند. ما ضمن محکوم کردن این عمل خواران تحلیله خانه های سازمانی را با واکنیها و افراد ضدکارگری و آن عده که دارای جای، شخصی می باشد هستیم.

اصفهان

کارگران پیشرو ذوب آهنی در اعلامیه ای تحت عنوان "شوراها و واقعی سبک رخصتگان" شوراها را سبک رخصتگان کارگران قسمتی بر سر من سخنان مدسورانی بی صدر، احدی در اد زور بر ما زور بر می کنند منابع فولاد، مدیریت و اتحادیه انجمنهای اسلامی که همه از غیرناتومی بودن شوراها حرف میزنند، می نویسند: ما میگوییم: شوراها همان اتحادیه عملی و همسنگی کارگران بر علیه سرمایه دارانند. چون شوراها سرمایه داران را در دل میبندد، چون شوراها واقعی سبک رخصتگان و زحمتکشگان بر علیه سرمایه داران و دولت حاکم است. پس تا نوبتند. فقط این تا نوبت مقدس است که جاری می شود. کارگران و زحمتکشگان باید در تریان اعلامیه داشته است. "شوکو ماریس با طرد سرمایه داران و عواید اسبابا به مدیران و اتحادیه خود را انتخاب و شوراها و واقعی خود را برپا کنیم"

اراک

کارگران خود را بر سر در تراکتی می نویسند: سودویژه یعنی ویادای خدیه خاک کشته نیست. دینی اردردی ما نباید سرمایه داران اردن سود کارگران است

برای مقابله با نوطه های سرمایه داران (اخراج - تعطیل کارخانه و...) هیئت تحقیق کارگری را برپا داریم



۲- وضع شورا و انجمن اسلامی کارخانه اگر وجود دارد... و مختصری از حرکت گذشته آنها تا امروز.

رفیق کارگری نامه ای خطاب به "اکثریت" نوشته و خواستار درج آن در "کار" گردیده است. در این نامه ضمن افتخار "خیانت آنها به گذشته پر افتخار" رزمنده و خوبین سازمان چریکهای فدایی خلق ایران را اینکه اکنون همان راه حزب توده، خائن و سازشکار را پیش گرفته اند، راهی که فدایی خلق در مبارزه با آنها بوجود آمد، به سیاستهای کارگری آنها نیز بر خور شده است. رفیق کارگرمان که با پوست و گوشت خود شعار ضدکارگری، افزایش تولیدمسئار کارگران، اغلال در تولیدمسئار سرمایه داران، "اکثریت" را درک - میکند، آنرا خدمت بزرگی به سرمایه داران دانسته است. ضمن درج قسمی از این نامه لازم است اضافه کنیم که تنها اخبار مبارزاتی کارگران، مندرج در نشریه کاربیز نشان میدهد که چگونه این شعار مورد اعتراض بخش عظیمی از کارگران قرار گرفته و آنها خودبهنراز هر کسی تشخیص داده اند که این شعار تلبه منافع آنان و شمار سرمایه داران است. رفیق کارگر در قلمتی از نامه خود چنین می نویسد:

اصلاً من یک کارگر می گویم... یعنی دانید فدائی بهی چه فدائی یعنی با مردم زحمتگاری بی بودن... بدبختی با انسان شریک بودن فدائی یعنی نه توده درین دادن بخاطر بساد دادن و بهتر زینت و ازین بسادگی رها

از کلبه کارگران ایران میخواهیم که همچون غیرنکاران کارگری در نامه های خود حتی جزئی ترین مسائل و مشکلات مبارزاتی از جمله شکلگیری شوراها و برگزاری مجمع های عمومی... علاوه خواستها، نظریات و احساسات کارگران در مورد مسائل کونا کونا جامعه و کارخانه، همچنین ستمها نیکه به آنها روا می شود را برای ما بفرستند.

برای ما بویسند که کارگران چگونه در برخورد با مسائل کونا کونی به با هیبت دشمنان شان برده و به صفوف کارگران آگاه و پیشرو می پیوندند. بهمراه اینها ملماً توضیح مزارع زبردان نامه های شما از اهمیت زیادی برخوردار خواهد بود.

۱- وضع مالکیت کارخانه - دولتی یا خصوصی - نام صاحب کارخانه - نام مدیر.

۲- نوع تولید کارخانه و حدود میزان آن - تعداد کارگران مردوزن.

شدن. اما من چون هستی را برای سازمان پرافتخار چریکهای فدائی خلق می دهم و در این راه فدائی فدائی خلق می شوم و سوگند یاد می کنم که راه فدائی همیشه پایدار راه فدائی همیشه رنده و راه فدائی همیشه پیروز است و شما که خودتان را رهبر سازمان فدائی خلق اکثریت جا زدید با این شعارتان که کار بیشتر شعار کارگران و کارکنان مسئار سرمایه داران، آقای اکثریت کدام سرمایه دار بیشتر دلش برای کارگر سوخت گفت نیا همان مؤذرا یکری کمتر کارکن شما با این شعارتان امتیاز بزرگی به سرمایه داران دادید و حب گشادشان را بر می کنید.

یک کارگر می گویم... در کتب که چون... در میدان جادو... در دستم با این... فدائی خلق... چایدار... کده در تان... که در پیوسته... تمام سر... بزرگترین... درین گشت...

ما هیبت سرمایه داران و عوام فریبی او را نسبت به حمایت از باصلاح مستضعفین نشان میدهد.

کارگران پیروز و قویین در اعلامیه دیگر خود بنام "سودویزه حست و حرا دولت جمهوری اسلامی آرافوک سرد" ضمن بوسج و افشای ما هیبت قانون سود و نژده گفتند: همه ما تا حد خودیم که دولت سرمایه داری شاه برای سندی اسما کارگران بحای افزایش دستمرد، قانون سود ویژه را بحوری که خود می خواهد اجرا کدشت و امروز ما هدیم که دولت جمهوری اسلامی سرمایه داری درون - دیگری متوسل شده و برای کسب رصابت سرمایه داران و نه منطسور مقابلت با کسری بوده که، نسی از نظام سرمایه داریست و شروع جنگ افزایش با اعدا، نه حقوقی با چیرمسا بیوریش می آزد و بدستند خرام و نظامی بودن سودویزه، حاسرد اتحادی، جنگ و خواران نیا کسد ذیکرا، دادن حقوق ما جلوکسری می کنند. و سن می آزد... سجدوسرم را از طریق ساسد کسان زادعی خود سودویزه آگه قسمتی از دستمردمان است دریافت کنیم.

میخواهد همان سند را زمان صادر بعدوان یادش بیامد دهد. و در بیان می افزایند:

"دوماه یادش وعیدی حق مسلم ما کارگران است."

قانون

کارگران پیروز و قویین در این ماه نوز اعلامیه در رابطه با مسئله سودویزه منتشر نموده است. در یکی از آنها با نعت عنوان "قوسودویزه: غسارت دستمزد کارگران توسط سرمایه داران ورژیم جمهوری اسلامی" آمده است: "هرساله ۸۰۰ هزار کارگر حدود ۴/۵ ماه از دستمزد سالانه خود را بحسب عنوان سودویزه و عیدی از سرمایه داران می گرفتند. اما مسائل طبیعی تصویب شورای انقلاب سودویزه لغو و بحای آن دوماه عیدی به کارگران عیدی میکردند این رقم سیب ۴/۵ - ۴/۵ سودویزه ۲/۵ ماه ۴/۵ شده است. اکسیر حقوقی متوسط در کارگران هزار تومان در ماه در نظر بگیریم، بطور متوسط هر کارگر در سال ۱۵۰۰ تومان دستمزد کسب گردیده که برای ۸۰۰ هزار کارگر بیوتی برابر با ۶۰۰۰۰۰۰۰ تومان میشود در واقع این بوری رزم خیسری اسلامی در زندگی ما چرمکسان سبسا

از اعلامیه ها

است. یعنی با یک حساب ساده بنظر میرسد سال با یستی سود بیشتری بگیریم. در حالیکه سال گذشته سه ماه سودویگماه عیدی گرفتیم. امسال سود وعیدی را به دوماه کاهش داده اند.

"دوماه یادش وعیدی که قسمتی از دستمرد ما است، پرداخت باید کرد." کارگران پیروز و شهرک اکباتان در اعلامیه ای با این نام خطاب به "دوستان کارگر" خود مینویسند: "در این شرایط کدامیک از ما که از شیر و ده خوددنیال کار آواره شده و در بدترین وضعیت زندگی در بلوک های جوی و سیمانی دور آرزو و جبه خود زندگی میکنیم، میوایم با این حقوق ناخیر زندگی خود ما بوا دهامیل را با من کنیم. و در ادامه میسازا آرا ده ایسکدیادش جزئی از حقوق کارگران است. منکوسند: "حلال حکومت است که دولت جمهوری اسلامی که آرام ما نام نابوق و کرنا سبک مستضعفین را دستنه میرند. در کارخانه سودویزه را نظم کرده و در شهرک های با اجتماعی نظرا کسان

دوروز تعطیل، ۴۰ ساعت کار در هفته، حق مسلم کارگران است



مبارزات کارگران جهت کسب سود ویژه اوجی نوین در مبارزات طبقه کارگر ایران

بحران حاکم بر جامعه روز بروز شدیدتر می شود. جنگ ارتجاعی دولتهای ایران و عراق نیز از این بخت رادامین میزند. رژیم جمهوری اسلامی که حامی منافع سرما به داران و زمینداران است سعی می کند با رایج بحران را هر چه بیشتر بدوش کارگران و زمینکنان بپندارد. بهمین دلیل است که توده ها روز بروز بیشتر تحت فشار کمتر شدن زندگی قرار می گیرند. گرانی و تورم پیدا می کنند. دستمزدها چیز زمینکنان دیگر حتی کفاف حداقل زندگی آنها را نمی کند. در این شرایط توده ها کارگران و زمینکنان نسبت به حاکمیت بسیار سرمعتراض قبل فرو می ریزد. کارگران اینک در مقابل بورش روز افزون سرما به داران به حقوق اولیه خود، مبارزات خود را روز به روز عمق و وسعت می بخشند. آنها در این راه از تجربیات کارکنان سابق که از قیام تاکنون آموخته اند بیشترین استفاده را می کنند.

رژیم جمهوری اسلامی که مبارزات اوجگیرنده کارگران روست چون دیگر عوام فریبی های خود را بی اثرتر می بیند سیاست سرکوب خود را شدت بخشیده است. سرکوب کارگران شرکت واحد و سرکوب خونین کارگران کفش ملی با ردیگر حمایت بیدریغ رژیم از سرما به داران را نشان داد و چهره کریه و سرکوبگر حاکمیت را بیش از پیش برای کارگران روشن نمود.

امانه عوام فریبی و نه سرکوب هیچکدام قادر نیست جلورشده مبارزات کارگران قهرمانان ایران را بگیرد. اینک بیش از دو ماه است که موج اعتراضات و اعتصابات وسیعی برافشاده است که محور عمده این مبارزات کارگران کسب سود ویژه، عیدی و پاداش می باشد. نمونه های بسیاری از مبارزه پیگیر کارگران در جهت دستیابی به این خواسته های برحق در دست است.

اعتصابات در کارخانجات رنو، پارس متال، ایران الکتریک و جم... نمونه هایی از این مبارزات گسترده برای سود ویژه، عیدی و پاداش می باشد. در کارخانه رنو از روز شنبه ۱۶/۱۲ - کارگران بمدت دو روز دست از کار کنار کشیدند. آنها در مقابل قول مدیرعامل مبنی بر پرداخت سود ویژه تا چهارشنبه بسرکارها زگشتند. روز چهارشنبه مدیرعامل از پرداخت سود خودداری میکند. کارگران دو روز دست به کم کاری زد و تولید کارخانه را از ۲۰ درصد استگا به ۲۰ درصد گاه میرسانند. مبارزه با لایحه مدیر را به عقب نشینی و ادارا ساخته و کارگران موفق به دریافت دو ماه سود ویژه میگردند.

در کارخانه پارس متال روز چهارشنبه ۲۳/۱۲ کارگران بخاطر دریافت حقوق عقب افتاده خویش بمدت یک ساعت ونیم دست به اعتصاب میزنند. آنان در همان روز موفق به دریافت حقوق میشوند. در ادامه مبارزه روز شنبه ۱۶/۱۲ برای عیدی و پاداش مجددا بمدت دوساعت

اعتصاب میکنند. مدیرعامل قول میدهد که تا دو هفته خواست کارگران را بر آورده کند. کارگران همچنان مصمم هستند تا رسیدن به خواست برحقشان به مبارزه ادامه دهند.

در کارخانه ایران الکتریک نیز کارگران برای سود ویژه دو روز اعتصاب می نمایند. آنان در مقابل توطئه های مدیریت و انجمن اسلامی تاکنون یکبار چه ایستادگی نموده اند. آنها مبارزه را پیگیر تا رسیدن به حقوق خود ادامه میدهند.

در کارخانه جم روز چهارشنبه ۱۷/۱۲ کارگران بکروز دست به اعتصاب میزنند آنها برای بدست آوردن سود ویژه نمایندگانی به وزارت کار می فرستند. وزارت کار به آنها جواب سر بالا داده و کارگران بار دیگر دفاع وزارت کار را از سرما به داران به عینه می بینند. آنها عمل مستقیم و انقلابی خویش را یکانه راه رسیدن به خواسته هایشان دانسته و به مبارزه ادامه میدهند.

در کارخانه باطری سازی کارگران در ادامه مبارزاتشان و پس از بی جواب گذاشتن خواسته هایشان، به اقدام انقلابی روی آورده و جلوی خروج تولید را میگیرند. آنها موفق میگردند به بخشی از سود ویژه مورد درخواست خود دست یابند.

در کارخانجات تبریز از جمله ما شین سازی، لیفت تراک و کمپیدور نیز کارگران خواهان سود ویژه و عیدی و پاداش میباشند. کارگران مبارز کمپیدور در اعتراض به سود ویژه و طرح طبقه بندی و با شعار "سود ویژه پرداخت با بدگردد" دست به اعتصاب میزنند. مبارزه آنان همچنان ادامه دارد.

کارگران مبارز ما شین سازی نیز به میزان سود ویژه معترض میباشند. آنها به نقش و اهمیت شوراها پی برده اند. کارگران میگویند: شورای انقلابی ما در سال گذشته مدیریت را وادار کرده بود که حداقل به هر کارگر ۱۱ هزار تومان پرداخت کند. آنان مبارزاتشان را برای کسب خواسته هایشان ادامه میدهند. مبارزات و اعتراضات در سایر کارخانجات نیز همچنان ادامه دارد.

از جمله کارگران در کارخانه آرد، د اوبخش و دارو کارگران به میزان سود پرداختی معترض هستند. آنها ضمن مبارزات خویش به ضرورت تشکیل شورا و نقش آن در تامین منافعشان پی برده اند.

کارگران برق، توانپرو شهسورک اکباتان نیز خواهان دو ماه عیدی و پاداش هستند. کارگران قسمت نوسازی و نقلیه برق مرکزی دست به اعتصاب یکروزه میزنند. مبارزات کارگران هنوز ادامه دارد.

در کارخانجات چیت تهران (با فکار) کارگران خواهان سود ویژه بودند. پس از مدتی که از سود خبری نمیشد زمزمه اعتصاب بالا گرفته و کارگران به شمار نویسی در این رابطه میپرداختند آنها از تجارب اعتصابات قبلی بیگانه نبودند. مدیریت مدبرعامل در مقابل کارگران وحشت زده عقب نشینی کرده و دو ماه سود ویژه به کارگران پرداخت میشود.

مبارزات کارگران ارج و پارس الکتریک در ادامه خود متعجب به عقب نشینی مدیریت میگردند. آنها دو ماه دیگر نیز سود ویژه حق مسلم خویش را دریافت میدارند.

در کارخانجات بوتان و سیمان کارگران با هدایت شوراها و مبارزه پیگیر خود موفق میگردند بیش از سه ماه سود ویژه از چنگ سرما به داران بیرون کشند. این پیروزی نتیجه مبارزه متحده کارگران و تشکیل آنان در شوراها می باشد.

مبارزات گسترده کارگران فیلیور و پلدستی را نیز سرما به داران را به زانو در آورده و آنها بیش از چهار ماه سود ویژه را از حلقوم سرما به داران در می آورند. کارگران مبارز فیلیور با جلوگیری از خروج تولید بمدت ۲ روز مبارزه متعده پیروز مند و پرتشوکی را بنمایش میگذارند.

این مبارزات برای کارگران تجارب گرانبغالی بهمراه دارد. آنها در این مبارزات آبدیده میشوند. فسر میگردند که ستم سرما به داری چیست و با چه وسایلی میتوان با آن مبارزه کرد.

آنان هر چه بیشتر میفهمند که رژیم جمهوری اسلامی با سادار منافع سرما به داران است. کارگران در می یابند که تنها راه بهبود شرایط زندگی شان را باید در عمل مستقیم و انقلابی خود جستجو کنند. آنها هر چه بیشتر به ضرورت اتحاد، یکپارچگی و تشکیل دشورا های انقلابی برای پیشبرد مبارزه انقلابی خویش آشنا میگردند. مبارزات آنان منجر به توسعه حس اتحاد و همبستگی بین طبقه کارگر خواهد گردید. کارگران قهرمان در مبارزات اخیر خود اشکال نویسی از وحدت و یکپارچگی پرولتاریا را به نمایش نهادند. و نتوان گفت طبقه های مبارزات یکپارچه و سرسری طبقه کارگر ایران بدش از پیش آشکار گشته است.

سود ویژه که قسمتی از دستمزد کارگران است پرداخت باید گردد

نفتگران تهران میگویند: بساط تعاونی اعتبار باید به نفع تعاونی مصرف برچیده شود

درست کردن تعاونی اعتبار در واقع اقدامی بود در جهت کوتاهی کردن دست کارگران و معاندان کارکنان آنها از تعاونی مصرف، چرا که سهم کارگران پس از مبارزات زیاد موفق شده بودند تا وقتی مصرف را تشکیل داده و توسط نمایندگان خود آنرا اداره کنند و اجناس را با تخفیف و با واسطه ها و دلالت سودجویان بسیار تا زلترین قیمت بدست کارگران برسانند اما تبدیل تعاونی مصرف به تعاونی اعتبار و کارگران را از دست یابی به مواد مورد نیاز خود با قیمتی به مراتب ارزانتر از قیمت های معمول بازار محروم کرد، تعاونیها از کنترل آنها خارج نمود و دست درازان و سرمایه داران را در چپاول دسترنج کارگران این صنعت بازگذاشت. شورای کارکنان دایره ابزار دقیق پالایشگاه تهران در اطلاعیه ای که به همین منظور منتشر نموده توضیح میدهد که: «با همه تلاشی که بعمل آمد شرکت نفت در آن موقع با انتقال سهام پنج هزار ریالی کارگران از تعاونی مصرف به تعاونی اعتبار عملاً دست کارگران و نمایندگان آنان را از این تعاونی کوتاه کرده و افراد رذل و خائن هم چون "ملک نیا" و فتوت ازاد را در اس تعاونی مصرف گمارد که با چپاول بیش از حد هر کدام میلیونها تومان بحیب زدند. اکنون همانطور که در آغز اطلاعیه این شورا نیز آمده است کارگران خواهان انتقال سهام خود از تعاونی اعتبار به تعاونی مصرف هستند تا بتوانند با انتخاب هیات مدیره تعاونی، از خدا کرامت مکانات تعاونی استفاده نمایند.

لازم به تذکر است که: تعاونی مصرف از ابتدا با کمک مالی خود کارگران تشکیل شد و خود نیز آنرا اداره میکردند و اجناس دست اول با قیمت نازل تهیه و مورد استفاده قرار میدادند. بعد از مدتها که تعاونی مصرف دارای نفقات بسیاری شد و کارگران میخواستند آنرا به بهره استفاده نمایند، اولیای امور شرکت نفت که افرادی دزد و بیگناهی بودند به فکر افتادند که چگونه این تعاونی مصرف را از دست کارگران بیرون بیاورند، و بنحوی تعاونی را اداره کنند که به سرمایه داری کمک کرده باشند. لذا طرح تعاونی اعتبار ریخته شد. آنها با دادن اعتباری بنا حدود ۲۰۰۰۰ تومان به کارگران آنها را در

کدامیک از دو طرف ضدا میریالیست است؟

کارگران که خواهان شورای کارگری و اداره امور کارخانه توسط شوراهند.	یا	حاکمیت که میگوید شورا بی شورا و فقط انجمن اسلامی؟
دهقانان که خواهان صادره اراضی فتوالتها و زمینداران بزرگ اند.	یا	حاکمیت که دهقانان را به حرم ضبط اراضی مالکین به زندان می افکند؟
خلق کرده برای خود مختاری و رفیع ستم ملی مبارزه میکند.	یا	حاکمیت که خلق کرد را اکتشار و کردستان را بمباران میکند؟
نیروهای انقلابی و اقشار مختلف خلق که خواهان جامعه دمکراتیک و آزادی بیان و عقیده و مطبوعات هستند.	یا	حاکمیت که به جامعه دمکراتیک اعتقادی ندارد و خواهان اختناق و محو آزادیهای دمکراتیک می باشد؟
نیروهای انقلابی و اقشار مختلف خلق که خواهان محو سیستم سرمایه داری وابسته و در نتیجه محو گرانی، بیکاری، فقر، فساد و... می باشند.	یا	حاکمیت که با حفظ سیستم سرمایه داری وابسته همچنان به افزایش بیکاری، گرانی، فقر... زحمتکشان دامن میرند؟
دانشجویان انقلابی که خواهان بازگشایی دانشگاهها و تبدیل آن به سکرو قعاً آزادی هستند.	یا	حاکمیت که خطرهای دانشگاهها را از خطر بازگشایی بیشتر میدانند و مانع بازگشایی دانشگاهها هستند؟
زحمتکشان که حکم را به زبان خود و به نفع امیربانیسم و بورژوازی میدانند.	یا	حاکمیت که به سیاست جنگ افروزی خود ادامه داده و میگوید جنگ چیز خوبی است؟
صیادان که خواهان کوتاه شدن دست صیادان بزرگ و احضار کارگران دربارها هستند.	یا	حاکمیت که دست صیادان کوچک را از دربارها کوتاه کرده و آنها را به خاک و خون کشید؟
برسنت انقلابی ارتش که خواهان شوراها و نظامی از انقلابیون ارتش می باشد.	یا	حاکمیت که خواهان ارتقاء فرماندهی مزدورانی چون فلاحی، طهرانی، سردار... بر ارتش هستند؟
کارگران، کارمندان، معلمان، پرسنل انقلابی ارتش که بحسب نیازها علیه امیربانیسم اخراج شده اند.	یا	حاکمیت که حافظ سیستم سرمایه داری است و چندین بار دکه های دکه داران را به سرشان خراب کرده و آنها را بدگلوله بستند؟
کارگران، کارمندان، معلمان، پرسنل انقلابی ارتش که بحسب نیازها علیه امیربانیسم اخراج شده اند.	یا	حاکمیت که انقلابیون را اخراج و ایادی امیربانیسم مثل کودتاگران و ساواکیها را به کارهایشان باز میگرداند؟
زندانیان سیاسی انقلابی که به حرم دفاع از منافع خلق زندانی شده اند.	یا	حاکمیت که مدافعین خلق را زندانی و اعدام می کند؟

ما می گوئیم طرف اول یعنی کارگران، دهقانان، و سایر زحمتکشان و نیروهای خلق است که ضدا میریالیست هستند. حاکمیتی که مبارزه میکند امیربانیستی نیروهای خلق را به پهنه های گوناگون سرکوب می نماید. سازشکاران که سرکوبی کارگران

کارگران پیشرو تبریز

کارگران و زحمتکشان، بسیجی بورژوازی حاکم را ضدا میریالیست معرفی می کنند. نوکران بورژوازی و دشمنان زحمتکشان بدون رهبری کارگران، مبارزه ضدا میریالیستی بیوزن نخواهد شد.

رهبری طبقه کارگر ضامن پیروزی مبارزات ضدا میریالیستی دمکراتیک خلقهای ایران است



دهقانان باید خودشان دست بکار شوند و زمینهای زمینداران بزرگ را مصادره کنند

حاکمیت را در خود داشته باشد. اما نشانه‌دهنده این نیزهست که با وجودیکه دستور توقف اجرای بند "ج" توسط آیت الله خمینی صادر شده، دهقانان دست از مطالبات خود برنداشته، و قوانین "جمهوری اسلامی" را نمی‌پذیرند. اما آنچه که حاکمیت را بیشتر در فشار قرار داده، نامه نویسی دهقانان نیست. بلکه رشد جنبشهای انقلابی آنان است، که با وجود اعلام "غیر قانونی و غیر شرعی بودن" دست اندازی به مال و زمین دیگران، به مصادره اراضی زمینداران بزرگ شدت بخشیده و در نقاطی نیز به تشکیل و شوراهای واقعی دهقانی پرداخته اند (گزارشات روستائی که در "کار" منتشر میشود، گوشه‌هایی از این مبارزات روبه رشد دهقانان را بازگو می‌کند).

با توقف اجرای بند "ج" تا عمل دیگری نیز در رشد مبارزات دهقانی تا شيرداشته است. مالکانی که اراضی آنها توسط دهقانان مصادره شده بود، وقتی دیدند که حاکمیت بدون هیچگونه برده‌پوشی و بطورزی آشکار، از منافع آنها حمایت می‌کند، به روستاها حمله برده و با کمک آبادی خود به تصرف مجدد زمینها پرداخته اند. گسترش این وضعیت، و عکس العملهای تداومی دهقانان در برابر اقدامات این زمینداران و دولت حامی آنها، بحدی بالا گرفته است، که انعکاس آنرا در روزنامه‌های رسمی کشور نیز می‌توان مشاهده کرد. مثلاً اطلاعات تحت عنوان "با توقف بند "ج" توطنه مالکان شدت یافته است" بگونه‌هایی از این نوع دست اندازیهایی مالکان در بجنورد اشاره می‌کند. یکی از اعضای هیات هیئت نفره بجنورد که طرف مصالحه اطلاعات قرار گرفته است می‌گوید: "این مردم (روستا شیمان) می‌خواهد منفرج شود ما در روستا هستیم و کاملاً در جریان قرار داریم". وی در جواب اینکه آیا توقف بند "ج" خطرناک نیست می‌گوید: "بله خطرناک است من فکر می‌کنم کل منطقه شمال خراسان بسیار حساس است چرا ترکمن نشین است مرز است حتی سپاه پاسداران را ترکمنها خلع سلاح کرده بودند که منشا رفتیم آنجا مسائل را تا اندازه‌ای توانستیم حل کنیم و در میان روستائیان نفوذ پیدا کنیم اگر این ساله توقف بند "ج" ادامه می‌دهد صدر در صد دوباره منطقه متشنج می‌شود."

بقیه در صفحه ۱۲

کشاورزی استانها و معاونین وزارت کشاورزی می‌خوانیم که اگر "بلاتکلیفی موجود جریان" باید نمی‌توان برنا مه بریزبهای اساسی کشاورزی... اقدام نمود. (جمهوری اسلامی ۲۲ بهمن) برآستی چرا دست اندرگزاران حکومتی اینگونه متناقض سخن می‌گویند، از پاسخگوشی مشخص به مسائل ظفره می‌روند و همه چیز را به آینده‌ای نامعلوم موکول می‌کنند؟ هیات حاکمه که از هما رفتن قیام ۲۲ بهمن رسالت خود را حفظ مناسبات ارضی با زمانه ارزشم شاهی قرار داده بود، مستقیماً در مقابل جنبش انقلابی دهقانان قرار گرفت و بطریق مختلف سعی در سرکوب آن نمود. اما ادامه، گسترش و تعمیق جنبش مصادره زمین و شکل‌گیری شوراهای دهقانی، بهمهراه گسترش نفوذ نیروهای چپ در درون روستاها، حاکمیت را مجبور کرد تا در جهت اجرای یک فرم ارضی مبتدل اقدام نماید، تا شاید از این طریق حرکتهای اعتراضی دهقانان را کنترل کند، مانع رشد روزافزون نیروهای چپ در درون روستا شود و کلاً جو انقلابی حاکم بر روستاها را مهار نماید.

اما همچنانکه انتظار می‌رفت، وقتی که حاکمیت در نیمه راه اجرای فرم ارضی بوروکراتیک، شرایط را برای باز شناساندن امتیازاتی که تحت فشار دهقانان زاده بود، آماده دید، بلافاصله حکم بر لغو اجرای بند "ج" از قانون واگذاری داد. و بدین وسیله بیش از پیش حمایت خود را از زمینداران بزرگ آشکار ساخت. لیکن بعزت ادامه، بحران سیاسی و ظرفیت انقلابی توده‌ها، شرایط آنچنانکه حاکمیت تصور میکرد، هنوز برای توقف اجرای "اطلاعات ارضی" آماده نبود.

با توقف بند "ج"، دهقانان که از برآورده شدن حداقل خواسته‌های خویش توسط "جمهوری اسلامی" مایوس شده اند، خود وارد عمل شده و بطریق گوناگون در جهت دست آوردن مطالبات خود (که بند "ج" از قانون واگذاری تنها بخش کوچک و ناقصی از مطالبات آنان را تشکیل می‌دهد) به مبارزه پرداختند. مسأله امتیازات نوع این مبارزات و اعتراضات دهقانی، پوشش نامه‌های متعددی به مجلس، آیت الله خمینی و غیره در جهت اجرای اطلاعات ارضی است. اگر چه ممکن است این اقدامات هنوز به نوعی ساله توهم دهقانان به

در روزهای اخیر، دوباره، ساله مالکیت زمینهای مزروعی بخسوان یکی از معضلات جمهوری اسلامی در سطح منطقه مطرح شده است. حاکمیت که طی این دو سال تا توانی خود را در حل مشکلات زمینکشان و با عداقل تخفیف نسبی آنها ثابت کرده است، اکنون در برابر با لگرفتن مجدد مسأله ارضی و مطالبات دهقانان، در مانندگی و استیصال خود را بار دیگر به ثبوت می‌رساند. حاکمیت از ابتدا با تمام توان در مقابل اقدامات انقلابی دهقانان جهت حل دموکراتیک مسأله ارضی (یعنی با ایتکار خود دهقانان و از با شین) ایستاد و به سرکوب انسان پرداخت. سپس با متوقف کردن امر تقسیم بخشی از اراضی مالکان (بند "ج" از قانون واگذاری اراضی) نشان داد که حتی یک فرم ارضی سرودم بریده، نیز عاجز است. اینک نیز در مقابل موج نوین مبارزات دهقانی، بیپوده می‌کوشد با وقت گذرانی، وعده سرخرمن دادن و سخنان ابهام آمیز و ضدتقیض بحران موجود را از سر بگذراند.

در این رابطه، در حالیکه آیت الله مشکینی اجرای بند "ج" را به تمام جنگ موکول می‌کند، دکتر بهشتی می‌گوید:

"فکر می‌کنم مسائلی را که شرایط آن تحقق پیدا نکرده، به موقعی که شرایط آن محقق شود واگذار می‌بهرت است، تا موقعی که تصمیم می‌گیریم بنوانیم بخوشی اجرا کنیم" (جمهوری اسلامی ۱۶ بهمن). بدین ترتیب دکتر بهشتی ارتکار تقسیم اراضی زمینداران بزرگ می‌گذرد و آنرا به موقعی که شرایط آن محقق شود" احواله می‌دهد. حال است که پس از ده روز از این اظهار نظر، وی می‌گوید: "اصولاً بطریق خود این لایحه لازم بود هیات واگذاری تلاش میکرد تا زمینهای موات را که قابل عمران و آبادی هست تقسیم کند" (جمهوری اسلامی ۲۶ بهمن). و بدین ترتیب بطور ضمنی اصولاً موضوع هرگونه تقسیم اراضی زمینداران بزرگ را مانع مالی می‌کند. در همین رابطه، سلامتی وزیر کشاورزی اظهار می‌دارد که "عدالت و توقف بند "ج" در کسار مشکلاتی بوجود آمد. امیدواریم طرحی تهیه شود که این ساله ریشه‌ای حل شود و بتوانیم برنا مه ریزی کنیم" (جهان فردا ۱۳ اسفند ۵۹). همچنین در قطعه‌نامه سفینار آمد بیان کلی

زمین از آن کسانی است که روی آن کار می‌کنند

رهنمودهای شمی رفسنجانی به امپریالیستها

مردم چه میگویند؟ مردم چه میخواهند؟

تهران

یک بیمرزدمتکش درناحسی: معلوم نیست آدم حرف چه کسی را باور کند دولت میگه وضع آواره ها خوبه، از طرفی کسی که از لرستان و از این طرف و آن طرف میآیند میگویند وضع آواره ها بنده! مویزی زیاده، به آواره ها رخت و لباس و غذا نمیدهند، غذا نمیدهند آخراین همسه کمکی که مردم کردند کجا رفته؟

بهبهان

شهر معلوا از جمعیت است. جای سوزن انداختن نیست، مسافر خانه ها جایی خالی ندارند، تمام مدارس بوسیله جنگ زدگان مثل اردوگاه شده است، عده ای کتا رغبیا بن زندگی میکنند، بسیاری از ساختما نهایی نیمه ساخته شده بوسیله نایلون اطرافشان محصور شده و عده ای را زیر سقف نایلونی خود جا داده است. وارد یکی از این مدارس می شوم، در گوشه و کتا را سباب و انا شبه جنگ زدگان ریخته شده است علاوه بر اتاق ها که در هر کدام از آنها ۱۰ الی ۱۵ نفر زندگی می کنند در حیاط هم جا در زده اند قیافه های رنجور و زرد کودکان، زنان سیاه پوش و قیافه های غم زده دل هرتازه واردی را به دردمیآورد. به مرد ۳۵ - ۴۲ ساله ای که در کنار یکی از جا درها دوزان نوشته و به روبروش زل زده است نزدیک مسی شوم: سلام آناه میهمان میخواهی...؟ مقواشی را که نزدیکش است جلو می کشد و می گوید: بفرما شید، قدمتون رو چشم ما خودمون هم میهمون هستیم، سر صحبت بازمیشود چند نفر دیگر هم جمع میشوند مرد که بعدا فهمیدم قبلا در خر مشه آ هنگوی میگورده اشاره ای به ۴ بچهای که نزدیک چادر بازی میکردند و از سروروشا نمکس بالامی رفت نمود و گفت "الانسه هفته است حمام نکرده اند یک حمام گرفتن ۱۰ تومان آب میخورد، بچه ها بپازگنافت شناخته نمیشوند حمام بدرک، گرسنگی آگسنگی! تو الان جوونی نمی فهمی چه دردی دارد بچها ت گریه کند، زار بزند ولی توننتونی کاری بکنی، مازها پرا زگوشت با شید پرا زغیبدا بیسیا شید ولی توننتونی کاری بکنی." گفتم پس کمک های مالی و جنسی مردم چه شده است؟ زن جوانی که تواون گل و لای دم پاشی پوشیده و یک تشت نایلونی دستش است با عمیانی می گوید "چی شده؟ رفتم توجیب آقا بون، اینها همه شون یک مشت دزدند تیا نام اسلام مردم را می چابند"

مسا عدی که توکم توده ها را فراهم نموده بود استغافه نکرده است. او که از اشتباه فرانسه بسیار نا راجت است، فرانسه را نصیحت میکند که "من تذکر بشما میدهم که فرانسه اشتباه میکند، ما ملت کینه توزی نیستیم اگر شما اشتباه خود را اصلاح کنید میتوانیم روابط حسنه ای داشته باشیم." (جمهوری اسلامی دوشنبه ۱۸ اسفند) و بدین صورت حرف آخر خود را میزند و صریحا میگوید که از سوی رژیم جمهوری اسلامی جهت برقراری "روابط حسنه" ما نمی نیست و فقط میل، میل، میل است. این شما شید که با پیدا بدینش گرفتن سناستهای "درستی" چون سرازیر کردن میل سلاح و مهمات به ایران، دادن وام و اعتبارات امپریالیستی و صدور کالاه و سرمایه با جلب گذارید و روابط را "حسنه" کنید.

هاشمی رفسنجانی اظهار تعجب می کند که دولت فرانسه حتی ناوچه های را که ما پول آنها را پرداخت کرده ایم به ما نمیدهد! (البته خودش فورا میگوید که اخیرا تحت فشار (!) به ما قول تحویل داده است) آقایی رفسنجانی که چشم انداز خریدهای عظیم تسلیحاتی از کشورهای امپریالیستی را بدین روی دا رد بسیار متعجب می کند که چرا فرانسه حتی ناوچه ها را هم تحویل نمیدهد!

سردمداران رژیم که بی صبرانه از هر راهی جهت بسط و تحکیم روابط خود با کشورهای امپریالیستی بخصوص امپریالیستهای اروپای و ژاپن می کوشند و قاحت را بدانجا رسانده اند که علنا "امپریالیستها را به هر چه نزدیکتر شدن و هر چه محکمتر کردن روابط فی مابین، تشویق میکنند. اما تمامی سران جمهوری اسلامی باید بدانند که خلق ایران برخلاف تصور آنها نسبت به امپریالیستها حسنی بسیار "کینه توز" است و نفی سرت و کینه اش نه تنها نسبت به تمام امپریالیستهای غارتگر جهانی بلکه به تمامی سرمایه داران و زمینداران و حامیان نشان نیز بی پایان است. هاشمی رفسنجانی و تمام هم پالکی هایش باید بدانند که خلق قهرمان ایران نه تنها اجازه نخواهد داد که "روابط حسنه" با امپریالیستهای کسترش و نداد و میابد بلکه رژیم را نیز که سرعت در جهت هر چه گسترده تر کردن این روابط کام میزیدارد دیر با زود خواهد شناخت و به رساله دانی تارینخ زوانه خواهد کرد.

یکی از مسائلی که دو جناح اصلی هیئت حاکمه بر روی اساس آن توافق نظر دارند (هر چند که در مورد شیوه های تا حدی اختلاف داشته باشند) سیاست نزدیکی، بسط و تحکیم روابط بسا امپریالیستهای اروپائی و ژاپن است. رژیم جمهوری اسلامی در این راه تا بحال کامهای بسا ری برداشته است. که کمترین آن تجدید قرا داد های موجود با این امپریالیستها و همچنین عقد قراردادهای جدید احداث کارخانجات و تاسیسات نیروگاه و شبکه برق و... بخصوص با ژاپن و آلمان است و حتی در این اواخر کار رژیم بجایی رسیده که مستشاران آلمانی صنایع دفاع را نیز سرکارهای خود بساز کردانیده است (جالب اینجاست که حتی رئیس گروه آنها همان مستشاری است که در دوره شاه خا شاین سمت را بعهده داشته است). اما از سوی دیگر رژیم امپریالیست نظامی که عجز رژیم حاکم در برقراری نظم و امنیت لازم را شاهد است سیاست دوپهلویی را پیش گرفته که یکی از جوه آن در فشار رنه سادان جمهوری اسلامی و مقابله با آنست به این منظور که شاید بتوانند در این میان رژیم "قدرتمند" بر سر کار آورد و منافع دراز مدت خویش را حراست کند. حرکات کشورهای امپریالیستی چون تحریم نیمه بند اقتصادی و اعمال فشارهای سیاسی و... در این رابطه قابل تبیین است. از این جهت است که هاشمی رفسنجانی یکی از رهبران جناح حزب جمهوری اسلامی مسئولیت "ارشاد" و "نصیحت" امپریالیستها و هدایت آنان در جهت ایجاد "روابط حسنه" با رژیم جمهوری اسلامی را بعهده گرفته است. هاشمی رفسنجانی به روشنی به کشورهای امپریالیستی رهنمود میدهد که دست از لجاج بردارند و با اصلاح خود به تحکیم روابط غارتگرانه فی مابین بپردازند. و بدانند که برای برقراری "روابط حسنه" فقط دو چیز لازم است اول رضایت امپریالیستها و دوم فریب توده ها.

هاشمی رفسنجانی در "دیدار و گفتگو با سفیر فرانسه" در روز شنبه ۱۶ اسفند ماه میگوید "مردم ایران در اوائل انقلاب نسبت به فرانسه احساسات خوبی داشتند... که فرانسه میتواند از آن استفاده کند و اگر فرانسه دوستانه برخورد میکرد میتواند همکار خوبی برای ما باشد. و ما فرانسه در سیاست خود اشتباه کردیم حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی بیسار متاسف است که چرا فرانسه از زمینش

حق تعیین سرنوشت، حق مسلم خلقهاست



نامه یک پاسدار سابق کمیته

مردم چه میگویند...

بقیه از صفحه ۱۰

خودتون بهتر میدونید، ببینید چه بلائی سر ما آورده اند (اشاره ای کرد به اطرافش). همه اش تقصیر همین حکومت، تو مسبل ها شون لمدا دندو دستور ما یرمی بکنند و سخن برانستی میکنند شما میدهند، پدر سوخته ها! آهنگ سر: "راست میگه الان ۱۲ روز است کسی نیامده بهر سدحالتون چطوره؟ یک ماه پیش به ما که ۱۰ نفریم سه تا پتو دادند که نمیدونیم رومون بکشیم یا زیرمون بیاندازیم از سر ما خوانیمان نمی برد، حالا ز جای ما کمی محفوظ است تعدادی از بستگانم توی خانه های نیمه تمام شهرک کنار بهبهان می نشینند، خانه ها سقف ندارند، فقط چهار تا دیوار دارند، سقف را با تا یلون و مقوا پوشانده اند با ران که آمدجا شون نم گرفتند استخوان درد گرفته اند، همان زن جوان تشت بدست دنباله حرفش را گرفتند تدریاز این توالیت هم ندارند خودشون گوشه حیا طراکنده اند، دورش را مقوا گرفته اند این شدتوالتشون، بچه ها وبا گرفته اند، هر بیضی بیداد می کند، بهر مردی که یک سیب زمینی پخته پوست می کند و تا زه به جمع ما پیوسته می گویند: "عیسی خدا ره جنگه انشالله اگر بنی صدر را از پشت سر من می گوید" عجیب حرفها! مگر بنی صدر را به زنجیر کشیدند که می گویند اگر بزارن، بنی صدر فقط سلبه حرف بزند و او رتش را تا زانو ازش کنه، دست کمی از دارو دستر جراحی ندارد، چرا یک دفعه در مورد اسلحه دادن به مردم صحبت نمی کند؟ چرا ما را مسلح نمی کند؟ چرا دو ماه قبل از جنگ موقعی که ما کارگران گمرک می دیدیم که بعضی ها در برهه ستر بندی می کشند و به مرز، هوا پیمای و کشتی می فرستند هیچ قدامی نکرد، مردم را هوشیار نکرد و گذاشت که غافلگیر بشوند "مرد آهنگر": راست میگه ما را مثل گوسفند زیر بمب ها رها کردند، ما هم دیدیم دست خالی ما نندن توشهر فایده ای ندارد. اگر تفنگ داشتیم به عراقی ها می فهمادیم که بهم ریختن روی شهر یعنی چه؟ (دستها پیش را در حالی که می لرزیدند نشان داد) حالا این دستها که آهنگ را خم میگردن با بدبوم کدائی کشم، بغض گلوبم را گرفته است، با ضرب دست آهنگر روی پا بم بخود آدم، از شورای آوارگان برایشان صحبت کردم که چگونه این شورا را تشکیل بدهند با آوارگان دیگر تمساس بگیرند نما بینگان خود را انتخاب بکنند دنبال خواسته هایمان بفرستند، مبارزه کنند و جفون را بگیرند و آهنگر چه خوب می گفت که اگر ما اینها را سرکار آوردیم، خودمون هم میتونیم برشون داریم پروژگار اینجوری نمی مونه حق به حق دارم برسه، بهداشت، مسکرونان حق مسلم آوارگان است

نمی خواستیم به روی خلق زحمتکش خاک سفید اسلحه بکشیم. زمینی که حتی مسلم آنهاست. زحمتکشانی که بعد از پیروزی انقلاب با وعده های پیوج و بیهوده حزب حاکم که به آنها داده بود تا در بنیاد مسکن مستضعفین ثبت نام بعمل بیارند تا به آنها زمین بدهند ولی اینها بداند که تمام زمینهای بنیاد مسکن را به سر ما به داران به عنوان مستضعف داده اند. آیا یک زحمتکش میتواند صد هزار تومان خرج اسلکت بندی یا خنمان خود بماند یا اینکه هزارها تومان خرج سنگ مرمر یا خنمان و غیره... بکند مسلما! خیر، چرا که اینها زحمتکش نیستند اینها همان فرزان روزیم سابقند که اکنون تحت الحمایه حزب حاکم قرار گرفته اند. ما خود فرزند یک زحمتکش هستیم در دخلقهای محروم رامیدانیم و نخواستیم به روی آنها آتش بکشیم. این پست فطرتان چه خیال حرامی کردند آنها میخواستند با چند برابر کردن حقوق، ما را بخزند! و بیسک فدائی خلق خیلی بالاتر از این سخن حرفهاست که بنیاد را خرید، اگر یک فدائی خلق خریده میشد شاه آنها را میخرید و دیدیم که چگونه خریده نشدند که هیچ، بلکه با هر گونه ظلم در جامعه مبارزه برخاستند. ما بیگاری و گرسنگی را به گرفتن ما می چند هزار تومان و اسلحه کشیدن به روی زحمتکش ترجیح میدیم بلکه ما گرسنگی و بیگاری را تحمل میکنیم ولی حاضر نیستیم حتی یک فشنگ به روی خلق شلیک کنیم. زمانی که هر فشنگ ما باید قلب امپریالیسم به سرکردگی امریکا را بشکافد چرا باید به روی زحمتکش شلیک کنیم. رفقای عزیز! میدوایم این مطلب را حتما در هفته نامه کار چاپ کنید که مردم بدانند که یک ما مورسابق کمیته هم میتواند فدائی خلق باشد. و در راه آرمان خلق قدم بردارد. چون به سلاحهای سبک از قبیل ژ-۳ - تیربار - نارنجک آشنا می که ملدارم حاضریم در جبهه پیشمرگان سازمان چریکهای فدائی خلق ایران در کردستان علیه تاج و زگران خلق کرد بکنم. مرگ بر امپریالیسم جهانی به سرکردگی امریکا

مرگ بر سازشکار
به امید پیروزی طیفه کارگر
و با درود فراوان بر سازمان پرافتخار
چریکهای فدائی خلق ایران (اقلیت)

نامه ای را که در زیر ملاحظه میکنید یکی از رفقای هوادار سازمان کشته قبلا" پاسدار کمیته بوده است برای ما فرستاده و اما خواسته است که آرزو کار چاپ کنیم. این نامه یک افتاء گری زندان را کمیته است که بر اساس توهم و نا آگاهی توده ها بقدرت رسیدن امروز ما هیت ضد انقلابیست بر زحمتکشان میهن ما روشن میگردد. ما در زیر عین نامه را منتشر می کنیم که خود گویا ترا هر گونه تحلیل و توضیحی در مورد ما هیست ضد خلقی و سیاستهای ضد انقلابی رژیم جمهوری اسلامی است.

روزنامه کار
ارکان سازمان چریکهای فدائی خلق ایران (اقلیت)

خدمت رفقای عزیزم سلام، پس از تقدیم عرض سلام امیدوارم حال کلیه رفقا خوب باشد تا هر چه مستحکم تر در راه آرمان خلق قدم بردارید. رفقای عزیز، من پاسدار سابق یکی از کمیته های تهران هستم و میخواستم قسدری از فعالیت های خود مان و دستورهای ضد خلقی ریشی کمیته منطقه را که یک آخوند بوده شما بگویم تا در روزنامه کار چاپ کنید و همه خلق از این امر با خبر باشند که چه کسانی پاسداران را در مقابل زحمتکشان قرار میدهند. من تعدادی از بچه های که همگی از خانواده زحمتکشان بودند در یکی از مناطقی تهران بعد از پیروزی انقلاب به همت خلق بپا خواسته میهنمان، کمیته ای تشکیل دادیم که به تصویب کمیته مرکزی رسید. ما حدود یک سال در آن کمیته فعالیت داشتیم و در عرض این یکسال افراد قسدرای کمیته پا کسا می کردیم. تمامی فعالیت های ما در راه خلق بود ولی بعد از مدتی بدون هیچ دلیلی کمیته ما را منحل اعلام کردند ولی ما که قسم خورده بودیم که برای زحمتکشان میهن قدم برداریم پس از دوندگی های زیادی موفق شدیم در کمیته گسروه ضربت مسفر در شهرداری همان منطقه شروع به فعالیت بپردازیم. من بعد از مدتی متوجه دزدی و رشوه گیریهای مسئول آنجا شدم که احمد م. نام داشت. و یک شب با شورا ای که با بقیه بچه ها تشکیل دادیم قرار شد که اگر احمد م. در آنجا فعالیت کند، بچه ها همه اسلحه خواهند داد. خلاصه موفق شدیم این مسزور کثیف رژیم را بیرون کنیم ولی بعد از چند روزی نیز آنجا را منحل اعلام کردند میدانید چرا؟ به دلیل اینکه ما

مبارزه ضد امپریالیستی از مبارزه برای دموکراسی جدا نیست



با کمکهای مالی خود سازمان رایاری رسانید!

دهقانان باید خودشان دست بکار شوند

بقیه از صفحه ۹

(اطلاعات ۲۰ بهمن ۵۹)

این معاهده، صرفنظر از اینکه ماهیت و وظایف هیأت های هفت نفره یعنی حفظ آرامش در روستا ها، انحراف دهقانان از مبارزه انقلابی در جهت احقاق خراستها باشد، نفوذ در بین آنها، تشنج زدن سی در روستا و کلاً "حفظ امنیت حاکمیت جمهوری اسلامی در روستا را تعالیان می سازد، بیانگرا و چگیری جنبشهای دهقانی نیز می باشد. هر اس از این نوع گیری و گسترش مبارزات دهقانی است که این روزها هیأت حاکمه را وادار ساخته تا از یکسویه مقاومت در اجرای بند "ج" از قانون واگذا ری که در سطح مطالبات دهقانان و اقدامات انقلابی آنان نیز بسیار پائین تراست، دست بزد، و از سوی دیگری به سهم کافی و وعده سرخرم - سن نادن سردازد. هیأت حاکمه در این صوراست که با موقوف کردن اجرای اطلاعات ارضی به آئینده ای معلوم و مقبول دکتر بهیستی برای موفقی که شرایط آن محقق شود طی این مدت جنبشهای دهقانی را سرکوب کرده و وظیفه خود را در قبال مالکین انجام دهد. بنا براین تا آن زمان باید که سخن از آئینده گفت. اما هر روز که میگذرد بنا ادا می بحرمان موجود با اعتلا مبارزات فدا میریالیستی دموکراتیک توده ها و بویژه تعمیق هر چه بیشتر مبارزات کارگری، مبارزات دهقانی نیز، گسترش و تعمیق یافته و دورنمای این آئینده را برای هیأت حاکمه تا ریگتر می سازد. امروز بیش از پیش برای دهقانان ثابت میشود که بنا بدربیت وعده های سرخرمن رژیم را بخسورن دهقانان تا بد خود دست بکار شوند. با تشکیل خورا ها به مصاف در زمینداران بزرگ بپردازند و زمینداران بزرگ را از سر خود کم کنند.

کد مالی مشهد	۱۰۲۸۶	۵۷۷۷	۲۱۲۰	۲۵۰۰	ش	۵۰۰	۲۵۰۰	۲۶۰۰	الف
م - ۲۲۲۵	۱۱۵۷	۶۷۲۶	۱۳۱۴	---	۲۸۲۰	۷۲۲۲	۱۰۴۴۴	۱۰۴۴۴	۴۲۲
ع - ۱۵۵۰	۲۲۹۲	۳۰۰	۳۱۲۲	---	۱۲۱۱	۲۱۴	۵۰۲۲	۵۰۲۲	۲۲۲
رقبای سفر	۲۴۱۶	۱۴۲۹	۲۲۴۷	۱۸۸۸	۲۰۰۰۰	۷۲۲	۵۰۲۵	۵۰۲۵	۶۲۲۲
جک ۱۵۰۰۰ ریال	۶۲۰	۵۸۷	۱۲۰۱	۱۰۲۲	۵۱۲۴	۱۱۱۱	۵۵۰۰	۵۵۰۰	۱۴۰۵
رقبای پاوه	۱۶۱۱	۲۰۱۲	۳۰۰	۶۰۱	۱۰۰۲	۲۴۰۴	۵۱۷	۵۱۷	۲۸۰۸
ت - شه ۲۰۰۰	۱۶۶۶	۱۰۰۴۸	۱۰۲۱	۳۱۰۰	۳۵۳۶	۲۱۱۱	۲۱۱	۲۱۱	۲۱۰۰
جهان ۱۰۰۰-۱۶۰۰	۱۰۲۲	۱۲۰۰	۱۹۰۰	۹۹۵	۱۴۵۲	۲۱۱۱	۱۴۲۴	۲۰۱	۲۱۰۴
ریال	۲۰۴۲۵	۵۵۵	۱۵۰۴۷	۹۹۵	۱۱۰۰	۲۱۱۱	۲۰۱	۲۰۱	۵۱۲۲
علیشا عوض ۱۰۰	۵۱۲۲	۳۱۳۱	۱۶۶۶	۴۰۲۵	۵۰۰	۲۴۱۰	۹۰۰	۳۰۰۰	۳۰۰۰
رقبای ماه شهر	۱۶۱۲	۱۷۱۰	۳۰۰۰	۱۰۲۰۰	۴۲۲	۲۰۱۰۰	۷۰۰	۱۹۲۰	۱۲۲۲
امانت شما رسید	۵۰۰	۶۰۰	۳۲۲۲	۲۲۲۲	۱۰۳۲۰	۳۲۹۹	۶۲۶	۱۳۰۰۰	۱۰۰۰
ه - ۲۰۲	۲۷۷۵	۲۱۲۸	۱۰۳۴	۵۰	۲۰۷۱	۵۱۲۶	۵۰۲۹	۲۲۲۲	۱۳۲۲
ل - ۱۱	۲۵۱۹	۱۱۴۶	۳	۱۴۲۲	۱۰۱۱	۲۱۵	۵۵۵	۱۱۱۲	۵۵۵
ز - الف	۴۰۰	۶۶۹	۲۲۵	۸۰۰	۲۵۱۸۰	۱۱۲۰	۲۰۰۰	۱۰۰۰	۲۲۵۶
ن - ۱۱	۲۱۲۲	۴۴۹	---	۶۱۴۰	۶۰۰	۵۲۷۱	۱۶۱۱	۲۱۲۲	۵۲۵۰
ب - ۴۵۱ از شهر کرد	۷۲۰	۳۲۶۶	۱۰۰۰	۷۷۷	۸۵۵۵	۱۰۰۰	۱۱۲۷	۲۰۰۰	۲۱۰۱
و	۵۱۹	۱۵۰۰۰	۱۶۱۷	۲۰۰	۱۰۳۹	۱۵۰۰	۱۰۰۰	۱۰۰۰	۱۱۱۱
رقبای اصغر	۵۰۲۸۳	۲۲۵۹	۱۸۵۲	۵۲۴۲	۱۰۰۷	۲۲۵۰	۱۱۲۲	۲۰۰۰	۴۲۲۲
رقبای زیندا نسبی	۳۰۲۸۳	۳۰۱۸۴	۵۳۱	۴۰۰۰	۲۰۱۰۰	۵۰۰۰	۱۰۳۵	۸۸۰۰	۱۵۶۹
متینگ سیا هکل	---	۷۲۲	---	۵۲۲۲	۳۰۰۰	۶۰۰۰	۵۱۲۲	۲۷۷۷	۵۱۰۰
رقبای ناصر	۵۰۰	۱۰۲۲	---	۲۷۰	---	۵۰۱۱	۱۲۷۰	---	۱۱۲۰
رقبای ناصر	۱۰۰	۲۲۲۲	۲۰۰۳۲	۱۲۷۲	۳۰۰	۱۲۷۰	۱۲۲۲	---	۱۰۰۰۵۵
رقبای زیندا نسبی	۱۰۰	۲۱۲۲	۱۶۱۱	۵۸۶۱	۳۱۵۰	۹۲۸	۳۲۲۲	۳۱۰۱	۳۱۲۲
متینگ سیا هکل	۵۰۰۵	۵۹	۴۰۰۴	۷۲۲	۹۲۸	۱۱۱۱	۵۵۵۵	۱۰۰۱	۲۰۱۰
رقبای ناصر	۵۲۵	۱۱۱۲	۵۱۰۱	۱۲۲۲	۱۰۰۰۰	۵۰۰	۳۲۵۵	۱۷۶۲	۴۲۰
رقبای ناصر	۱۰۷۰	۵۰۱۲	---	۱۰۱۰۰	۱۹۸۷	۲۱۲۰	۵۰۰۴	۲۷۰۰	۱۵۰۰
رقبای زاملش	۳۳۳۲	۱۷۰۰۰	۱۵۰۰۰	۲۹۹۹	۱۹۲۴	۱۵۶۸	۵۲۱۹	۱۰۰۰	۲۸۰۰
رقبای زرود سر	۳۶۰۹	۱۵۰	۶۱۱	۶۰۴۱	۲۵۱۲۶	۲۰۱۵	۲۰۲۹	۲۱۱۱	۱۵۲۸
رقبای فیلسین	۱۲۵۰	۴۰۰	۱۱۱۱	۵۲۲	۶۰۴۱	۶۰۰	۱۲۰	۱۲۰۰	۳۰۳۱
رقبای فیلسین	۲۸۰۰۰	۵۵۵۵	۳۰۲۲	۲۰۰۰	۱۹۹۹	۲۲۲۲	۵۰۳۲	۵۶۰۰	۲۰۰۰۰
رقبای فلوریدا	۴۰۰	۵۰۶۰۰	۲۰۰	۵۰۰	۱۵۲۱	۴۱۲۸	۱۱۲۶	۳۰۰۰۰	۷۲۲۵
آمریکا	۳۰۰	۵۲۴	۱۶۵۴	۶۱۱	۳۱۲۴	۴۲۲۸	۱۱۲۶	۷۱۰	۵۰۰
د - م - ۶۰۰۰	۱۰۰۰	۲۵۲۲	۱۱۰۴	۱۱۱۴	۱۹۱۱	۲۰۱۶	۲۰۰۰	۲۱۰۰	۲۰۰۰
رقبای یوسف	۱۰۰	۱۵۰۰۰	۵۸۴	۲۱۲	۲۳۱۰	۶۶۵	۱۰۰۲	۴۰۰۵	۱۳۶۶
نامهای رسیده	۲۱۰۰	۲۰۲۲	۱۳۰۰	۷۱۰	۲۴۴۵	---	۴۰۸۶	۸۵۶	۸۳۲۲
رقبای ر. م. لطعات	۱۰۵۱۲	۱۱۱۲	۵۷۷۷	۹۱۷	---	---	---	---	۴۰۲۷
رسید اقدام لازم	۱۱۰۱	۲۰۰۰	۱۱۰۰	۱۶۳۲	۱۲۲۰	۱۰۳۵	۲۹۲۵	۳۴۵۶	۱۰۳۵
صورت خواهد گرفت	۱۰۰۰۰	۲۰۹۵	۲۰۰۰	۱۰۰۰	۲۷۷۷	۵۲۲۲	۲۰۱۷	۵۰۰	۵۲۲۲
رقبای استانبول	۲۵۲۶	۲۷۰۰	۵۷۲۰	۵۱۱۷	۲۱۰۱	۱۰۱۵	۲۰۰۰	۵۲۱۱	۱۱۶۰
رقبای میاندوآب	۵۱۲۲	۴۰۴	۲۵۰	۲۳۵۷	۱۱۰۲	۸۰۱	۱۰۰۱۱	۱۵۱۲۶	۳۲۵۰
(دانش آموز)	۱۲۹۹	۱۶۵۰	۶۲۵	۶۱۱	۶۱۲	۶۲۵۴	۱۱۰۵	۳۶۵۱	۲۱۰۰
۱۰۰۰ ریال	۱۲۰۰	۱۰۰۰	۱۵۰۰	۲۱۱۱	۵۱۲۲	۲۷۵۰	۶۱۱	۱۳۲۲	۵۰۰۶
رقبای سربازان	۱۲۳۱	۱۵۰۰	۲۱۱۱	۱۱۰۰	۱۳۱۹	۳۰۵۵۵	۲۰۳۲	۲۲۰۰	۱۵۷۷
رقبای نرمد	۱۰۵۵	۱۶۰۰	۱۱۰۰	۱۱۵۶	۱۱۵۶	۱۲۰۰	۱۲۴۵	۵۱۸	۵۰۰۰
رقبای سربازان	۵۲۱۴	۲۳۵۰	۱۰۱۸	۲۰۰	۱۱۰۰	۳۲۵۲	۲۱۱	۵۱۸	۲۰۰۰
رقبای سربازان	۱۶۰۲	۵۰۰	۱۱۷۱	۲۶۱۲	۱۰۰۰۱	۵۱۸۲	۵۵۳۶	۵۱۰۷	۷۰۰
رقبای سربازان	۸۶۱	۲۱۰۰	۱۱۰۰	۱۰۰۰	۵۷۷۷	۱۰۴۲	۵۱۰۶	۵۱۰۷	۲۴۰۵
رقبای سربازان	۱۱۱۱	۶۰۰۴	۱۰۳۵	۸۳۲	۵۱۱۴	۱۵۰۰۰	۱۵۵۹	۱۲۲۰	۲۴۰۵
رقبای سربازان	۲۷۲۲	۲۲۲۲	۳۲۲۲	۱۵۱۱۶	۵۵۰۰	۱۰۳۲۴	۳۲۲	۲۹۰۰	۵۵۴
رقبای سربازان	۲۷۷۷	۱۲۷۷	۵۰	۱۴۴۰	۱۰۲۲	۱۱۱۱	۱۰۰۰	۲۵۰	۵۵۵
رقبای سربازان	۵۰۰	۱۰۰۰	۲۵۰	۵۰۱۱۱	۵۰۱	۵۵۵۰	۱۳۲۲	۱۷۰۱	۵۵۶
رقبای سربازان	۱۵۲۲۴	۶۵۰۰	۳۰۲۷	۱۱۲۰	۱۰۵۴۵	۳۱۲۱	۷۲۲	۲۰۰۰۰	۲۲۵۰
رقبای سربازان	۷۵۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰	۱۰۲۱۰	۱۶۰۰	۱۷۰۷	۴۲۲	۱۷۷۵	۳۱۱۱
رقبای سربازان	۳۲۲۱	۲۱۱۱	۱۰۳۲۱	۱۵۰۰۰	۱۱۰۰	۲۱۵	۹۵۶۴	۲۷۱۰	۵۰۰
رقبای سربازان	۲۱۱۲	۵۱۲۹	۱۰۸۱	۵۰۰	۱۰۰۰۸	---	۱۰۰۰۰	۲۰۰۰	۵۱۲



روی آن نوشته شده بود:
"وضع اسفبار در صنایع ذوب آهن
آلمان در خیابانها به حرکت
آمدند."

اعتصاب کارکنان در انگلستان

در هفته های گذشته کشورهای
امپریالیستی اروپا با اهدا اعتصابات
و اعتراضات وسیع کارگران و کارکنان
بودند، از جمله اعتصاب بیست و چهار
ساعتی نیم میلیون کارکنان دولت
انگلستان است که به نشانه اعتراض به
بازبینی بودن دستمزدها در هفته گذشته
صورت گرفت. در پی این اعتصاب
گسترده، امور فرودگاهها، موزه ها،
گمرکات و اداره های دولتی مختل شد
دولت انگلستان را با بحرانهای جدی
قاره ای مواجه کرد. اتحادیه های
کارگری کارکنان دولت، اعلام کرد که
اعتصاب حدود ۸۰٪ موفق و نتیجه بخش
بوده است.
ضمناً کارمندان مراکز
کامپیوتری و شبکه های دفاعی انگلیس
سیزدهم تاریخ ۱۳/۲۱/۵۹ دست به
اعتصاب زدند.

ایتالیا:

بحران اقتصادی، اخراج ها، اعتصابات کارگری.

ایتالیا در هفته های اخیر در اشکال
وسیعتری وارد بحران اقتصادی شد.
این بحرانها بویژه در صنایع اتومبیل
سازی فیات که منجر به اخراج کارگران
زیادی شد، در پی خود، حرکات
اعتراضی کارگران را از قبیل اعتصاب
راه پیمایی و اشغال بعضی مناطق،
برانگیخت.

اتومبیل سازی فیات:

در حالی که از ماه اکتبر گذشته ۲۳
هزار کارگر همچنان بیکارند، دهها
هزار کارگر دیگر نیز به صندوق بیکاری
معرفی شدند. این امر بحران شدید
و بی سابقه ای در صنایع اتومبیل سازی
فیات را نشان میدهد. مدیران فیات
گفته اند در یک چنین شرایط بحرانی،
نه تنها نمی توان سخنی از بازگشت این
کارگران به میان آورد، بلکه خانه
نشین شدن آنها در ماههای آینده نیز
اجتناب ناپذیر است.

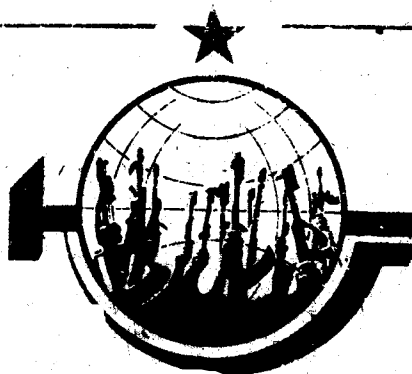
راهپیمایی و اعتصاب

علیه اخراج کارگران.

روز ۱۷ ژانویه ۱۹۵۹، کارگران "سیلنا"
بقیه در صفحه ۱۴

جنبش جهانی

کارگری - رها بخت



تجاهلی است علیه کارگران کارخانه
بلکه اقدام توطئه گرانه ای است علیه
اقلیت های نژادی. چرا که اتحادیه
سلاحی است در دست کارگران که مانع
پرداخت دستمزدهای کمتر به اقلیت ها
میکردد.

کارگران میگویند: "اعتصاب به
ما موخته است که همه چون تنی واحد و
به منابه کارگران مبارزه کنیم -
چون یک انسان سیاه، سفید، فیلیپینی
و یا امریکایی لاتینی. همه در یک صف
و نه علیه یکدیگر."

اعتصاب بخشهای مختلف در صنایع آلمان.

جنبش های اعتراضی کارگری اکثراً
به صورت اعتصاب در مراکز اصلی ذوب -
فلز آلمان فدرال و در صنایع متوسط
و غیر در بخشهای بزرگ مانند "مرسدس
بنز" گسترش یافته است.

سندیکاهای کلگری خواهان ۸ درصد
افزایش دستمزد میباشند. مقاطعه
کاران کدورا آغاز، با ۲/۵٪ افزایش
دستمزد موافقت کردند، بدینحال اعتصاب
اخیر، به ۳/۵٪ نیز ارضی شدند. در
صنایع ذوب فلز در فرانکفورت، مبارزه
ای بسیار قاطع تر و گسترده تر صورت
گرفت. کارگران به مدت یک ساعت دست
از کار کشیدند، و در پی آن بیکار
راه پیمایی آغاز شد که به سرعت دهها
هزار کارگر را در بر گرفت. همراه با
این راهپیمایی ۱۷ هزار کارگر ذوب -
فلز "بادن و تن برگ" نیز طی
چند روز و هر روز به مدت یک ساعت دست از
کار کشیدند. همچنین، نظراتی با
شرکت هزاران کارگر در "ویسبادن"
صورت گرفت. دامنه این حرکات
اعتراضی کارگران به تسلی از
کارخانه های "دورت موند" نیز گسترده
شد. کارگران با پلاکاردهایی که بر

مبارزات کارگران در کشورهای امپریالیستی رو با اعتلاست

بحران اقتصادی کشورهای سرما
داری که کل اردرگاه امپریالیسم را
فرا گرفته است با گذشت هر روز از زرفا و
عمق تازه ای برخوردار می گردد و اتحادیه
نوبنی بخود می گیرد. طی چند هفته اخیر
بسیاری از صنایع کشورهای امپریالیستی
دچار رکود تا زوای شدند و این امر منجر
به تعطیل تعدادی از کارخانه ها و
توقف موقت در تولیدات برخی از رشته
ها بویژه ماشین سازی شد. در این
میان با زهم بر تعداد بیکاران و فقر
و سنگدستی رنجگهان افزوده شد. حدت
این بحران به تنهایی در چه بیشتر اتحادیه های
طبقه ای و مبارزه میان کارگران
و سرمایه داران اتحادیه است. هم
اکنون موج نوبنی از مبارزات آشکار
کارگری در سایر کشورهای امپریالیستی
در حال گسترش است. با اعتلا نوبنی در
جنبش طبقه کارگر پدید آمده است اخبار
و گزارشهای مربوط به جنبش طبقه
کارگر در کشورهای امپریالیستی بنحو
عینی بیانگر این واقعیت است.

آمریکا:

شیکاگو، ۲۵ ژانویه کارگران شیکاگو
شرکت امپریالیستی استوارت - وارنر،
در اعتراض به اخراجهای بی درپیی
و بیش از تاریخ پایان قرارداد های
استخدامی و همچنین بخاطر کمی دستمزد
از تاریخ ۲۴ ژانویه سال جاری بمدت سه
هفته دست به اعتصاب زدند. این
کارگران در بخشهای سرق و صنایع
هوایمائی کار می کنند و اکثریت آنها
را کارگران زن تشکیل می دهد و همگی
اعضای اتحادیه کارگران برقکار هستند.
آنها بدلیل افزایش هزینه زندگی
خواهان ۹۰ سنت اضافه دستمزد در هر
ساعت و نیز تا مین بیمه پزشکی و افزایش
حداقل دستمزد بودند این اعتصاب ار
سوی کلیه اتحادیه های کارگری منطقه
شیکاگو پشتیبانی شد.

همه همه در یک صف:

با نبرانیسکو: کارگران کارخانه
"پلوشیلد" وارد هفتمین هفته اعتصاب
خود شدند (فوریه). اعتصاب کنندگان
به فندان شرایط امینی لازم در کارخانه
و کمی دستمزد اعتراض دارند. این
کارگران که اکثراً "ساده پوست"
فیلیپینی، امریکایی لاتینی و ...
هستند می گویند کارفرما سعی در متلاشی
کردن اتحادیه داران را دارد و این به نفع

مستحکم باد پیوند جنبش طبقه کارگر و جنبشهای رها بخت سراسر جهان

سرنوشتی حکومت دیکتاتوری وابسته به امپریالیسم در این کشور را داشته دارد. چریکهای مبارز و انقلابی که حمایت وسیع خلق را به همراه دارند، هر روز در مبارزات بیوقفه و خوبسار خود، ضربات کاری و موثری بر یکسوی پوسیده امپریالیسم و پانگامیسمی آن وارد می آورند و موفقیت هایشان کسب می کنند.

از آغاز سال ۱۹۸۱ تا کنون ۳۰۰ نفر در ال سالوادور به قتل رسیده اند. در هفته اخیر چریکها با بمب و گلوله به بانکها، باشگاههای نظامی و دیگر تاسیسات و نهادهای دولتی حمله کرده اند.

همچنین چریکها در حمله ای به مواضع دولتی در یک دهکده در ۸۸ کیلومتری پایتخت قتل... سرارداشت ضربات شدیدی به نیروهای دولتی وارد آوردند. جبهه آزادیبخش "فارا بوندوماریتی" نیز شهر مهم استراتژیک "چالانتکو" را به محاصره خود در آورد و کنترل کامل شهرستان لورنترو را در ۹۰ کیلومتری سان سالوادور به دست گرفتند.

جوخه های مرگ راست گرایان شوربست های ضد انقلاب هستند که با طرح و نقشه امپریالیسم و وابستگی داخلی اش، زمینداران و سرمایه داران بزرگ در انسالوادور بوجود آمده اند. با گسترش فعالیت چریکهای انقلابی، اخیراً این جوخه های مرگ، "انتقام جویی های" سازمانی به راه انداخته اند. آنها افراد مظلوم و بیگناه را از خانه بیرون می کشند و اعدام شان می کنند و سر روی جسد آنها علامت جوخه خود را نقش می زنند.

۴ جسد در حومه سن سالوادور پیدا شده است. بنا به اظهار سخنگوی نیروهای انقلابی، کشته شدگان "اعتمادالا" کسانی هستند که مقررات منع عبور و مرورشان را رعایت نکرده اند. بنا به قربانی جوخه مرگ راست گرایان شده اند.

سربازان حکومت نظامی دستور دارند به سوی هر کسی که پس از ساعت غبظ ظاهر شود تیراندازی کنند.

همکاری رژیم صهیونیستی با رژیم فاشیست السالوادور.

بنا بر گزارش خف... حقیقی وفا، چهارماده رژیم صهیونیستی در حال حاضر با رژیم فاشیستی السالوادور در جهت سرکوبی جنبش انقلابی خلق این کشور همکاری و مشاورت دارند. این مسئله که توسط جبهه "دموکراتیک انقلابی السالوادور" تأیید شده است بر اساس گزارش خبرگزاری وفا، این امر از توافق نام... امریکا و رژیم فاشیست السالوادور ناشی میشود.

جنبش جهانی

دود و غبار کار می کنند بیماری "برنشتیت" و عوارض تنفسی تهدیدشان می کند. همین بررسی در بسیاری از واحدهای صنعتی در "پیه مونت" نیز ملاحظه است. هزار کارگر در معرض ابتلا به مرض سرطان.

۴۸ هزار تن در معرض کوشدن به دلیل سر و صدا. ۶۷ هزار کارگر را بیماریهای تنفسی و تنگی نفس تهدید می کند. ۷۵۰۰ تن در معرض بیماریهای ناشی از سیلیکات هستند.

اعتصاب عمومی در فلسطین اشغالی.

از سوی سازمانهای محلی فلسطینی، اعلام شد که از تاریخ ۱۰ مارس (۱۹ اسفند) یک موج اعتصاب عمومی به نشانه همبستگی با ۷۰۰۰ معلم که از تاریخ ۱۲ دسامبر (۲۲ آذر) در اعتصاب بصری برتند، آغاز خواهد شد. اعلام کنندگان این خبر از سازمانهای بین المللی تقاضای همبستگی بسیاری کرده اند. آخرین اعتصابات از این نوع در بهار سال ۱۹۷۹ (بهار ۵۸) انجام گرفت که منجر به دخالت ارتش اسرائیل شد.

اسپانیا باسک:

در پی مرگ یکی از همبران کارگری عضو E.T.A در باسک بر اثر شکنجه، یک اعتصاب عمومی سازمان یافته باسک را در بر گرفت. همچنین در اعتراض به قتل کارگر مزبور که در مادرید دستگیر و شکنجه شده بود، تظاهراتی انجام شد. این حرکات و اعتراضات، علیه قدرت مرکزی و پلیس ویژه پشتیبانی از E.T.A جهت گیری شد.

فرانسه:

افزایش خودکشی بر اثر بیهوشی.

تعداد بیکاران زیر ۲۵ سال فرانسه در عرض یکسال از ۶۰۷ هزار تن به ۶۹۲ هزار تن افزایش یافته است. همچنین، خودکشی در میان جوانان زیر ۳۰ سال که از شدت بیکاری و بی آمدهای ناشی از آن رنج می برند، بالا گرفته است.

السالوادور:

مبارزه مسلحانه خلق السالوادور و پیشاپیش آنها چریکهای انقلابی، بر توان و پیروزمندانه در جهت

بقیه از صفحه ۱۲
بزرگترین شرکت تاسیسات تلفن، علیه اخراج ۲۲۰ تن از کارگران شرکت "کاتانیا" و "سینا"، در رم اهیمنائی کردند.

اشغال ۷ ساعته ایستگاه راه آهن رم - جنوا - پیزا.

کارگران روز مزد شرکت ماکسارز وابسته به بنیاد دکشا ورزی ابریخا طبر مخالفت با انحلال شرکت و خشمگین از وعده های انجام نشده، راه آهن رم - پیزا - جنوا را اشغال کرده و مواز حرکت قطارها جلوگیری نمودند. این اقدام در پی یک تصمیم جمعی در جلسه کارگران روز مزد در تاریخ ۲۰ فوریه اتخاذ شد. کارگران پس از ساعت موفق به دریافت تخمین کافی از سوی دولت برای جلوگیری از انحلال شرکت (که به بهانه عدم سودآوری قرار بود در تاریخ ۴ مارس انجام گیرد) شدند.

کارگران "مونتهدیسون" نیز روز ۱۷ از انویه ۸۱ - بمنوان اعتراض به اخراج ۹۸ کارگر وابسته به اتحادیه، به یک اعتصاب ۲۴ ساعته دست زدند. طبق آخرین خبر در لوموند، ۱۲ هزار تن از ۵۷ هزار تن کارگر این کارخانه اخراج شده اند.

در هفته گذشته سه هزار تن از کارگران کارخانه زانوسی در پور دنونه "به طور محدوداً اعتصاب کردند. کارگران اعتصابی به اخراج ۲۲ هزار کارگر از بخشهای مختلف صنایع ایتالیا، اعتراض داشتند.

بخشی از کارخانه فیسات، کاسینو، برای بیرون رفتن از بحران، تمامی کارگران را به مدت هروز از تاریخ ۱۲ تا ۱۷ آوریل، بیکار می کند.

نظام سرمایه داری علاوه بر استثمار کارگران و مکیدن شیر جان آنها، همواره سلامتی و تندرستی آنان را نیز در معرض انواع و اقسام امراض و خطرات جانی ناشی از محیط کار، قرار می دهد. هر روز در سراسر جهان کارگران زیادی بر اثر کارهای سخت و توان فرسا و فقدان وسایل ایمنی و بهداشت مناسب، به بیماریهای مزمن نقص عضو، و مرگ میروند.

اخیراً "اتحادیه کارگری F.O.N ایتالیا، آماری از سوانح و ابتلائی که در کارگران را تهدید می کند منتشر کرده است. این آمار خوبی فحایح نظام سرمایه داری و ظلم و ستمی را که به کارگران وارد می شود نشان میدهد. در کارخانه فیسات تورینو بزرگترین کارخانه ایتالیا، سه میلیون و ۱۵۰ هزار کارگر در معرض انواع و اقسام بیماریها قرار دارند. از جمله سرطان، همچنین، گردش ۲۸ هزار تن کارگر شاغل در بخشهای پرسر و صدا را تهدید می کند.

۲۴۵۰ تن که در بخش سیلیکات کار می کنند در معرض خطر قرار دارند. ۱۸۸۰۰ کارگر که در محیط های آلوده به

بقیه از صفحه ۲۵

یکصد و دهمین سالگرد کمون پاریس

کمون نه تنها شکل سلطنتی تسلط طبقاتی را تغییر داد بلکه جمهوری بدل نمود بلکه تسلط طبقاتی را برین برد. دائمی و جا نشین کردن آن با ارتش از خلق مسلح بود. پس از آن نوبت به براندازی سیستم بروکراتیک رسید. کمون دستگاه اداری بورژوازی را درهم شکست. قوه مجریه و قضاییه را در شورای کمون که وظیفه اداره امور دولت را بر عهده داشت اقامت کرد. کمون ثابت کرد که طبقه کارگر نمیتواند دستگاه موجود دولتی را بدست گرفته و آن را برای اجزای مفاد خود به حرکت در آورد بلکه باید ماشین بروکراتیک و نظامی دولتی را خرد کند و دولتی جدید از طراز کمون را جایگزین آن سازد. این نیز امکان پذیر نبود جز از طریق انقلاب فهراتیز ناشی از دولت بورژوازی و استقرار دیکتاتور بی پروا را برپا. کمون پاریس جواب عینی و مشخصی به این سوال که چه چیزی باید جای نشین باسین خرد شده دولتی شود داد، چیزی که در سال ۱۸۴۷ در ماساچیوست کمونیست مطرح شد بود. کمون بجای ماشین دولتی خرد شده دمکراسی کاملتری را برقرار نمود که عیسایرت بوداریسمی مسلح بوده ای و انتظامی بودن کامل و قابل سقوط همه باطنی است. کمون تسلیم عدمی غلبه جانشین ارتش بورژوازی، اس ابزار بلا را داد دولت بورژوازی کرد. دستگاه بروکراتیک اداری را از بین برد. دموکراسی دروغین بورژوازی را سه دمکراسی واقعی پرولتاریا تبدیل کرد. کمون نظام ترسناک آریستوکراسی بورژوازی را منحل کرد و دروغی نه کمیسون کار وجود آورد. هر مستلذبی بطور دمکراتیک در یکی از شورای ده دانه کمون مطرح و مورد بحث قرار میگرفت و بعد مصیبات آنجا شده در شورای مرکزی کمون جمع بندی و با احسار گذاشته میشد. بدین ترتیب کمون یک ارکان پارلمانی نبود بلکه یک ارکان فانوکنگاری و اجرایی بود. احساعی بود. لنین در این باره می نویسد: "اهمیت کمون عبارت از کوهی بود که برای ارمی باسین کردن دستگاه حکومتی سازمان اداری، قضائی، نظامی و پلیسی سمل آورد، وسیع کرده بود که آنرا اریخ وین سر کدیویک تشکیلات خود مختار شده ای را که تفکیک بود معنی از قوه مجریه برای معنای نه اداری. جانشین آن سازد. کمون همچنین تمام مناصب اداری، قضائی و آموزشی را از طریق آراء عمومی مردم نه مسئولیت سمن مسپرد. در این سیستم مردم میتوانند در هر زمان مسئولین را مصلحت کنند. حقوق سالیانه افرادی که دارای مشاغل اداری بودند هه عفراتک بود.

(آلمان) به هیچ وجه نمیتوانست از خود دفاع کند مگر آنکه طبقه کارگرش را مسلح کرده و در زمانی فعال متشکل کند. اما پاریس مسلح معنایش انقلاب مسلحانه کارگران نبود. پیروزی پاریس بر آلمان متجاوز یعنی پیروزی طبقه کارگر فرانسوی بر سرمایه داران و انگلای دولتی بود. در این کشمکش بین وظیفه ملی و منافع طبقاتی "حکومت دفاع ملی" برای آنکه خود را به حکومت خیانت ملی بدل کند حتی لحظه ای هم درنگ نکرد. تیریکه اندکی قبل از ۲۸ ژانویه ۱۸۷۱ از طرف مالکان بزرگ و بورژوازی و سلطنت طلبان در یک مجمع ملی در رأس دولت بورژوازی قرار گرفته بود بعد از رسیدن به قدرت فرار داد مسلح با پیروسی را بدست آورد. رسانی و طبق آن الزام و یون به پیروسی تعلق گرفت و مبلغ هیلپاریا در فرانک بعنوان غرامت جنگی به آلمان پرداخت گردید. بعد از آن تیریکه خیال راحت همه نیروی نظامی اش را برای حمله به پروولتاریای مسلح پاریس بسیج نمود. پاریس مسلح تنها مانع جدی بر سر راه توطئه ضد انقلابی نی بر بود. پس پاریس می باید خلع سلاح میشد. کار دملی که به طبقه کارگر ملحق شده بود مجهز به توپخانه بود. پس گرفتن توپخانه از دست کسارد ملی میتوانست مقدمه ای برای خلع سلاح پاریس باشد. از لنین و کورچه در معاهده صلح، توپخانه متعلق به کار دملی عنوان شده بود ولی تیریکه بدروغ آنرا مالک دولت کلمداد کرد و برای تصاحب آن شبانه چند هنگ راه مون مار تو فرسنادا کار دملی را خلع سلاح کرد و توپخانه اش را ضبط کرد. اما تلاش آنها با مقاومت کار دملی مواجه شد. در اینجا کارگران و رزمندگان پاریس با مینیا سستی بدست سوراخ دولت یعنی خلع سلاح تی در میداندند که این به معنی نابودی انقلاب فرانسه بود و با ایده حرکت انقلابی یعنی واژگونی حکومت بورژوازی مبارز و وریده انقلاب فرانسه را تداوم می بخشیدند. پاریس راه دوم را سرگردید. با ریس که در نتیجه پنجمه کرسنگی و قحطی تحیف شده بود لحظه ای هم تردید نکرد. طبقه کارگر و زحمتکشان پاریس مصمم شدند با تمام عواقب مقاومت را در مقابل توطئه گران فرانسوی و نوپهای پیروسی که پشت دروازه های پاریس سنگر گرفته بود، بخود بخرد.

در روز ۱۸ مارس کارگران پاریس تحت رهبری کمیته مرکزی کار دملی، ارتش دولت ارتجاعی و ضد انقلابی تی بر اعقب زانده، سه مون مان را به تصرف در آوردند. کارگران همچنین در تیردی مسلحانه سفاک حساس شهر را تصرف کرده و بر فراز شهرداری برجیم سرخ حکومت پرولتاری را برای اولین بار به اهتزاز در آوردند. دولت بورژوازی که شکست خورده بود سینه ورسای گریخت. پس از آن در شهرهای دیگر فرانسه چون لیون تولوز، بسنر بیکنان، کردسوت نیز دولت کارگری تشکیل شد.

این مبلغ برابر دستمزد یک کارگر ماهی بود. پلیس بجای آنکه عامل حکومت مرکزی یا خدا را اختیار سیاسی اش - محروم شونده عامل کمون که در هر لحظه قابل عزل بود مدل کردید. پس از حذف ارتش دائمی پلیس که عامل قهریه مادی حکومت بود، کمون بفکر درهم شکستن نیروی معنوی بروکراتیک یعنی "قدرت کشیشان" از طریق تفکیک کلیسا از دولت افتاد. درهای تمام موسسات آموزشی مجانی به روی خلق باز شد و این موسسات از زیر نفوذ کلیساها گردید. کمون با وجود کوتاه بودن طول حیاتش موفق به انجام اقداماتی در زمینه بهبود زندگی کارگران و زحمتکشان شد. کارخانه ها را گردن ناواها را ممنوع اعلام کرد. کارخانه ها و کارخانه های که کارشان متوقف شده یا صاحبان گریخته بودند در اختیار اتحادیه های تعاونی کارگری قرار گرفتند. کارفرمایان از جریمه کردن یا کسر میلی از دستمزد برای آنان بپیری منع شدند. کمون همچنین بدستگاه اشخاص بستند. در اینجا تکیه را به آنجا پس داد و مدت بسیار پرداخت دیون و اجاره ها را تسدید کرد. کمون کورجی دستاورد های کرافتوری را در حین کموناسی از خود بر جای نهاد. اما طلب اشخاصی که مخاطب تورا بودن وی بر روی خدمت کشان کمونیست و تیریکه در میان داشت. پرولتاریا را، فرماندهی در نیمه راه تصرف کرد. کمون پاریس عمدتاً در سطح بلاتکلیف و بی پروا نسبتها کسب هیچکدام به موسسات علمی بجز مساز نمودند و عمری مستند. پارکس، سماها و وضعیتهای رسان کمون را در رستی بر رسی و استناد کرده ای با وجود تمام این اشتباهات بدستگاری صمیمانه و نزدیک خود با کمون داد. کمون در این باره می نویسد: "پارکس رهبر را از یک قیام زودری سر جردن سادات و لسی برای سردلان پرولتاریا یک مشاور عملی بود. یک شرکت کننده در تیریکه توده ها بود، توده های که بستند اعتناء به تشریهای غلط و اشتباهات بلانکی و پروردون تمام جیش را به مرحله بالایی ارتقا دادند. کمون پاریس در سینه میره ۱۸۷۰ قیام را یک جنون می ناهید و دولتی قتی شده ها قیام میکنند اما رکن سخا اهدا آنها همگام بشود و همراه آنها از حریسان مبارزه تسلیم نکیرد. (لنین) در باره نامه های مارکس سه کوتلمسان (۱۸۷۷) کمون که توانست به انقلاب مسلحانه و تکمیک قهر انقلابی شود ها دولتی و روزوازی را به عقب نشینی وادار کند و قدرت را کرباریس بدست آورد تا بعد بوسیدد اسلحه از سره بر ورش دفاع میکرد و انقلاب را تا به آخر میرساند. اما با حمله نکردن به ورسای که در آن زمان بی دفاع بود در یک اسبابه غیر قابل حیرتی شد و دست بی پروا عانی را برای هرگونه توطئه و باسسازی نیروی ضد انقلابیان با رکداشت. این اسناد از ناحیه رهبری در حالسی بقیه در صفحه ۱۷

خبرهایی از: جنبش مقاومت خلق کرد

خودبا زگشتند.
 بانه در درگیریهای اخیر
 اطراف بانه حدود پینجاه پاسدار کشته
 شده است و پاسداران که از این ضربه های
 متوالی جنبش خلق کرد به وحشت
 افتادند به تهران گزارش دادند که هر
 چه زودتر در مورد بمباران روستاهای
 اطراف بانه - سردشت - بوکسین و
 مهسا با اقدام شود و گرنه ما پاسداران
 "انقلاب اسلامی" در کردستان نمی مانیم.
 دیواندره - بدنبال درگیری
 پاسداران و جاش ها با پیشمرگان بین
 راه دیواندره و رستای زاغه که منجر به
 کشته شدن چند پاسدار و جاش شد.
 پاسداران با پوشیدن لباس کردی به
 روستای زاغه رفتند و نمود کردند که
 از پیشمرگهای انقلابی خلق کرده ستند.
 آنها بعد از آراودیت مردم از هلسر
 خانواده هتا (هزار تومان پول طلب
 کردند. پاسداران روستا شیا بزحمتگی
 راتهدید کردند که اگر مبلغ مذکور
 به آنها داده نشود تمام روستا را قتل
 عام میکنند. بعد هم مقداری پول و
 اشیاء قیمتی روستا شیا را غارت
 کردند و از ده خارج شدند.

همراه با تشدید سیاستهای سرکوبگرانه
 حکومت جمهوری اسلامی در کردستان
 بلندگوهای تبلیغاتی رژیم سعی در
 وارونه جلوه دادن مبارزات بحقیق
 زحمتکشان کرده دارند. اما واقعیتهای
 ملموس جنبش خلق کرد مشت محکمی است
 بر دهان این باوه گویان و سند بیست بر
 حقانیت مبارزات حق طلبانه توده -
 های زحمتکش کرد.
 سنندج - در تاریخ ۲۹ بهمن پنج
 شبه شب چهل نفر از پیشمرگان حزب
 دمکرات به داخل شهر سنندج میروند و
 مورد استقبال توده های مردم قسرار
 میگیرند. در طرف نیم ساعت حدود
 دوهزار نفر دوز پیشمرگان جمع میشوند و
 به راهپیمایی میپردازند. در این
 شب پیشمرگان در داخل شهر دست به
 غلطیاتی زدند از جمله، ابتدای جاشی را
 به گروگان گرفته و خانه اش را منفجر
 کردند و لحظاتی بعد در خیابان ششم
 بهمن سابقا پاسداران سرمایه و -
 جاشهای خود فروخته درگیر شدند. در
 این درگیری چند جاش و پاسدار کشته و
 زخمی شدند. همچنین یک پیشمرگ از
 ناحیه دست محروح شد و بقیه به پایگاه

یکصد و دهمین سالگرد کمون پارسیس

اولین حکومت کارگری جهان



یکصد و دهمین سال از کمون پارسیس و
 تشکیل اولین حکومت کارگری در جهان
 میگردد. کمون پارسیس نمونیه
 شکوهمندترین جنبش پرولتری قرن
 نوزدهم است که با وجود همه اشتباهاتش
 پیشتا از انقلابات اجتماعی جهانسی
 بشمار میاید.

در ۱۸ مارس (۲۷ اسفند) ۱۸۷۱ طبقه
 کارگر فرانسه به همراه سایر اقشار
 زحمتکش بیخاست و نخستین حکومت
 کارگری جهان را بوجود آورد. این
 اولین اقدام عملی و جدی طبقه کارگر
 برای سرنگونی بورژوازی و برقراری
 حکومت کارگری بود. گرچه کمون
 سرکوب شد و حکومت کارگری بیش از ۷۲
 روز دوام نیافت. ولی آموزشهایی که
 از تجربیات کمون بدست آمده باعث
 تکوین تئوری انقلابی دولت و
 دیکتاتوری پرولتاریا گشته و راهنمای
 مبارزات طبقاتی در طی مدوده سال
 اخیر گردید.

در سال ۱۸۵۱ لئوئی بناپارت بنا
 کودتای خود به انقلاب ۱۸۴۸ پاسداران داد
 و فرانسه ۱۸ سال زیر یوغ رژیم
 بناپارتنی رفت. در تاریخ ۱۹ ژوئیه
 ۱۸۷۰ جنگ بین فرانسه و آلمان در گرفت
 ارتش فرانسه که از ارتش آلمان
 شکستهای سختی خورده بود در سپتامبر
 درسدان متلاشی گردید و بناپلئون سوم
 (لئوئی بناپارت) اسیر شد. درجهنارم
 سپتامبر کارگران و زحمتکشان پارسیس
 رژیم سلطنتی را ساقط و حکومت جمهوری
 را اعلام کردند. در این زمان دسته ای
 توطئه گز که تی پروترو شو، ژنرالهای
 مرتجع لئوئی بناپارت در آلمان بودند
 شهر آری پارسیس را اشغال کرده و دولت
 بورژوازی "دفاع ملی" را که در واقع
 دولت "میان ملی" بود تشکیل دادند.
 اما در این در جنگ بین فرانسه و پروسی
 بقیه در صفحه ۱۶

درگیری های اخیر لاهیجان

در این درگیریها دو نفر شهید و عده ای مجروح شدند.

فدایان مردم با دیدن آثار یورش
 وحشیانه این افراد، مغازه ها را تعطیل
 کردند و بعنوان اعتراض ابتدا به جلو
 شهر آری و بعد جلوی فرمانداری رفتند.
 فرماندار میخواست از مردم تعهد بگیرد
 که مانع فروش نشریات سیاسی شوند
 در ضمن گفت چنانچه فرماندار را با معرفی
 کنند. مردم که او را میشناختند و بی
 حيله های او برده بودند، بشدت اعتراض
 کردند و گفتند "چما قدار پشت سرخسود
 شماست و از ما سراغش را میگیرید؟"
 مردم از آنجا به اداره پشت رفتند تا
 اعتراض خود را طی تلگراف به سررای
 ارگانهای دولتی بفرستند.
 روز پنجشنبه چهاردهم اسفند، بازاریان
 لاهیجان، مردم را به اجتماعی دربارا
 دعوت کردند. در این روز هم فانیها
 به مردم حمله میکنند. منسازها در آن
 تصمیم میگیرند تا رسیدگی به خواسته
 هایشان مبنی بر دستگیری عوامل
 آشوب طلب و چما قدار، تا مبنی
 شهروجران خسارت های وارده، همچنان
 منازدهای خود را بحالت تعطیل
 نگاه دارند.

درگیری های اخیر لاهیجان منجر
 به شهادت دو نفر و زخمی شدن تعدادی از
 اهالی این شهر شد. در این درگیری ها
 بیست و پنج نفر نیز دستگیر شدند.
 ما چرا از یادها سفند ما بدنبال
 حمله تعدادی از چما قداران به نیروهای
 مترقی شروع شد. این عناصر به گمانی
 که نشریات سازمانهای سیاسی را منی
 فروختند حمله کردند ما با حمایت مردم
 و مغازه دارهای محل در خیابان اصلی
 شهر - از این نیروها مواجه گشته
 و مجبور به فرار شدیم. سه روز زب -
 پاسداران در همان محله در صد دستگیری
 دو دختر که نشریه های مجاهد و روزندگان
 را میفروختند، برآمدند. مردم به
 حمایت برخاستند و سرانجام موفق شدند
 دخترها را از دوبا پاسداران را وادار به
 عقب نشینی کنند. بعد از ظهر فانیها
 با چوب و چماق و سلاح به مردم حمله
 کردند و غروب نیز با شقایق افراد بسیج
 و تحت حمایت پاسداران شهر را به قرق
 خود درآوردند. آنها به دسته های چند
 نفری تقسیم شدند و هر کدام در یک گوشه
 دست به آزار مردم و تخریب زدند. در این
 حمله، در خیابان اصلی شهر حدود چهارده
 مغازه غارت شد.

بقیه در صفحه ۱۷

پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر